

## برنامه‌ای برای پیاده کردن «حقوق بشر»

### توفیق علی وهبه<sup>۱</sup>

#### چکیده:

اسلام طرح و برنامه‌ای برای تحقق حقوق بشر تدوین کرده است که در چارچوب رابطه انسان با خدا و رابطه او با هم‌نوعان خود و هم‌چنین رابطه او با تمام جهان هستی، قرار می‌گیرد. اسلام ریشه و اساس کار در پذیرش و اعلام حقوق بشر بوده است و تمامی منشور جهانی حقوق بشر و موافقت‌نامه‌ها و اعلامیه‌های بین‌المللی حقوق و آزادی‌ها، تنها بخش اندکی از دستورالعمل‌هایی است که اسلام در این مورد مقرر نموده است. اسلام قرن‌ها از تمامی جهان در این مورد پیشقدم‌تر بوده است. نگارنده با توجه به مبانی یاد شده، بخش‌هایی از اصول و قواعد حقوق بشری را از منظر اسلام و سنت بررسی نموده است.

کلیدواژه‌ها: اسلام، حقوق بشر، آزادی در اسلام، حقوق زن، حقوق غیرمسلمانان، حقوق غیرنظامیان و اسرای جنگی، سازمان کنفرانس اسلامی.

تربیت اسلامی رابطه‌بنده با پروردگار، رابطه وی با خود و پیوندش با دیگر مردم و نیز رابطه او با همهٔ آفریده‌ها و حتی تمامی جهان هستی را در بر می‌گیرد.

اسلام طرح یا برنامه‌ای برای تحقق حقوق بشر تدوین کرد که در چارچوب همین روابط و پیوندهای متعدد قرار می‌گیرد و این حقوق را تضمین کرد و ویژگی‌های آن را پیش از آن که فرد متولد شود و پس از تولد و طی حرکتش در زندگی مشخص ساخت؛ این حقوق ویژهٔ هر انسانی صرف‌نظر از رنگ پوست، جنس، نژاد یا وضعیت اجتماعی یا موقعیت شغلی اوست، چون همهٔ انسان‌ها بنا به فرمودهٔ پیامبر اکرم ﷺ در برابر خدا برابرند: «ای مردم! بدانید که خدای شما یکی و پدر شما یکی است و این که هیچ عربی بر غیر عرب یا غیر عربی بر عرب و سرخ پوستی بر سیاه پوست یا سیاه پوستی بر سرخ پوست و... برتری ندارد مگر به پرهیزگاری...» (مسند احمد، شماره ۲۲۹۷۸).

بنابراین اسلام، اساس برنامه در پذیرش و اعلام حقوق بشر است و «منشور جهانی حقوق بشر» سال ۱۹۴۸ «سازمان ملل متحد» و موافقت‌نامه‌ها و اعلامیه‌های بین‌المللی حقوق و آزادی‌هایی که پس از آن صادر گردید، تنها بخش اندکی از آن چیزهایی است که اسلام مقرر نموده است. اسلام صدها سال از

۱- رئیس مرکز عربی مطالعات و پژوهش‌ها- قاهره

تمامی جهان در این راستا پیشقدم بوده و شریعت اسلامی، منبع و سرچشمه اصلی و اساسی حقوق بشر در هر زمان و مکانی است.

در برنامه حقوق بشری اسلام، اصل آن است که این حقوق عام بوده و همه انسان‌های روی زمین را صرف نظر از دین و باورها یا نژاد و رنگ پوستشان شامل می‌شود و جایز نیست آنها را محدود کرد یا کاهش داد، مشروط بر این که به تجاوز به دیگران منجر نگردد: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا! ای مردم! از پروردگارتان پروا کنید، همو که شما را از تنی یگانه آفرید و از سرشت او، همسرش را پدید آورد و از آن دو مردان و زنان بسیار در جهان بپراکند؛ و از خدا - که با سوگند بر نام او از هم درخواست می‌کنند - و از بریدن پیوند خویشان، پروا کنید که بی‌گمان خداوند چشم بر شما دارد.» (نساء/۱).

نگاه اسلام به انسان به اعتبار شخصیت مستقل و دارای حقوق و آزادی‌هایی است که از آنها بی‌نیاز نیست و برای وی در نظر گرفته شده است. برخی از این حقوق عبارت است از:

### ۱- حق زندگی

اسلام حق زندگی و حیات را برای همه مردم تضمین کرده و تجاوز به جان افراد را حرام نموده تا همگان در زندگی خویش امنیت داشته و از زندگی با ثبات و پایدار و سعادت‌مندان‌های برخوردار باشند. بنابراین زندگی هدیه خداوند عزوجل به انسان - و دیگر آفریده‌ها - است که تجاوز به آن یا خدشه‌دار ساختن آن جایز نیست.

خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا \* وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهُ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ سِيرًا \* إِنْ تَجَسَّبُوا كِبَاءً مَا تَنْهَوْنَ عَنْهُ نَكْفُرْ عَنْكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مَدْخَلًا كَرِيمًا! ای مؤمنان! دارایی‌های یک‌دیگر را میان خود، نادرست نخورید مگر داد و ستدی با رضای خودتان باشد و یک‌دیگر را نکشید، بی‌گمان خداوند نسبت به شما بخشاینده است \* و هر کس به تجاوز و ستم، آن‌را انجام دهد او را در آتشی (دردناک) در خواهم آورد و این بر خداوند آسان است \* اگر از گناهان بزرگی که از آن بازداشته شده‌اید دوری گزینید، از گناهان (کوچک) تان چشم می‌پوشیم و شما را به جایگاهی گرامند در می‌آوریم.» (نساء/۲۹ - ۳۱).

«مراغی» در تفسیر این آیات می‌گوید: «و یک‌دیگر را نکشید» یعنی که نباید یک‌دیگر را به قتل برسانید؛ این تعبیر دربردارنده مبالغه در بازداشت و توجه به همکاری و هم‌بستگی و وحدت امت است؛ در حدیث نیز آمده است: «مؤمنان هم‌چون جان واحدی هستند»، زیرا کشتن هر کس به کشته شدن قاتل در راستای قصاص یا انتقام منجر می‌شود و گویا قتل نفسی صورت گرفته است. به این ترتیب قرآن به ما

می‌آموزد که جنایت انسان بر دیگری، جنایت علیه خویشتن و جنایت علیه همه بشریت است و نه [تنها] علیه کسانی که در پیوند دینی، نژادی یا سیاسی با او هستند.

خداوند متعال نیز می‌فرماید: «فَمَا تَفْضِهِمْ مِّثْقَالَهُمْ لَعْنَانُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُخَرِّقُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا دُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ پس برای پیمان شکنی لعنتشان کردیم و دل‌هایشان را سخت گردانیدیم زیرا عبادات (کتاب آسمانی) را از جای خویش پس و پیش می‌کردند و بخشی از آن چه را به ایشان یادآور شده بودند از یاد بردند و تو پیوسته از خیانت آنان - جز شمار اندکی از ایشان - آگاهی می‌یابی؛ آنان را ببخشای و درگذر، بی‌گمان خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد» (مائده/۱۳). همچنان که او ما را به احترام جان مردم - هم‌چون جان خویش - رهنمون کرده، به گونه‌ای که به هیچ روی نباید کسی اقدام به خودکشی کند تا به خیال خود از غم و بدبختی‌های زندگی آسوده گردد؛ بدبختی‌ها و مصیبت‌های وارد شده بر مؤمن به هر اندازه که باشد، او باید شکیبایی پیشه کند و منتظر گشایش بماند و از فرج الهی ناامید نگردد و بنابراین تنها وقتی خودکشی و قتل نفس افزایش می‌یابد که ایمان کاستی پذیرد و کفر و الحاد گسترش پیدا کند.

«بی‌گمان خداوند نسبت به شما بخشاینده است» یعنی این که شما را از خوردن مال به باطل و کشتن خویش، نهی می‌کند. خداوند بخشاینده است چون جان و مال و کار شما را پاس داشته تا به هم‌دیگر شفقت و دوستی ورزید و هر یک یاور دیگری باشید و مال او را پاس دارید و از جانش دفاع کنید.

«و هر کس به تجاوز و ستم آن‌را انجام دهد او را در آتشی دردناک در خواهیم آورد»؛ تجاوز یعنی تعدی به حق که البته در پیوند با قصد تجاوز و کار تعدی و آگاهانه است؛ یعنی او می‌داند که به حق، تجاوز کرده و از آن فراتر رفته و به باطل رسیده است؛ حال آن که ستم مربوط به نفس این کار است و کننده آن در پی انجام کار روا نیست و به کار ناروا اقدام می‌نماید، وعده آتش مربوط به تحقق هر دوی این کارها با یک‌دیگر است... (تفسیر المراغی، ج ۵، ص ۱۹ و ۲۰).

همچنان که افراد حق ندارند به زندگی دیگران تجاوز کنند، دولت‌ها نیز حق ندارند جز به حق و در حدودی که شریعت به صورت قصاص یا اجرای مجازات‌های الهی [حدود] در نظر گرفته، به زندگی مردم تعدی نمایند، چون خداوند می‌فرماید: «مَنْ أَجَلِ ذَلِكَ كَيْتَابًا عَلَيَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ؛ به همین روی بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس تنی را - جز به قصاص یا به کیفر تبهکاری در روی زمین - بکشد، چنان است که تمام مردم را کشته است و هر که آن‌را زنده بدارد، چنان است که همه مردم را زنده داشته است و بی‌گمان پیامبران ما برای آنان برهان‌های آشکار آوردند؛ آن‌گاه بسیاری از ایشان از آن پس، در زمین گزاف کارند.» (مائده/۳۲).

اسلام خودکشی انسان برای رهایی از خویشتن را حرام دانسته است، زیرا جان وی، ملک او نیست که هرگونه بخواهد در آن تصرف کند. جان انسان‌ها از آن آفریدگار آنها و ودیعه‌ای الهی نزد انسان است و او وظیفه دارد آن‌را پاس دارد. خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ

تِجَارَةٌ عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا! ای مؤمنان! دارایی‌های یک‌دیگر را میان خود، نادرست نخورید مگر داد و ستدی با رضای خودتان باشد و یک‌دیگر را نکشید، بی‌گمان خداوند نسبت به شما بخشاینده است.» (نساء/۲۹) و نیز می‌فرماید: «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ و در راه خداوند هزینه کنید و با دست خویش، خود را به نابودی نیفکنید، و نیکوکار باشید که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.» (بقره/۱۹۵). بنابراین هر انسانی باید حداکثر تلاش و کوشش خود را در راستای پاسداری از زندگی خویش و دفاع از آن در برابر هر گونه تجاوزی به کار گیرد. از «عمرو بن عاص» - وقتی که به غزوه «ذات السلاسل» اعزام شد - چنین روایت شده است: در شب بسیار سردی محتلم شدم، ترسیدم اگر غسل کنم، هلاک شوم لذا تیمم [بدل از غسل] کردم و سپس به اتفاق یارانم به نماز صبح ایستادم. وقتی به حضور پیامبر اکرم ﷺ رسیدیم، همراهان موضوع را با ایشان در میان گذاشتند. حضرت فرمود: ای عمرو! تو در حالی که جنب بودی، به امامت نماز با یاران خود ایستادی؟ گفتم: [آری] و این آیه به یادم آمد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا! ای مؤمنان! دارایی‌های یک‌دیگر را میان خود، نادرست نخورید مگر داد و ستدی با رضای خودتان باشد و یک‌دیگر را نکشید، بی‌گمان خداوند نسبت به شما بخشاینده است.» (نساء/۲۹) بنابراین تیمم کردم و سپس به نماز ایستادم؛ پیامبر اکرم ﷺ تبسمی کرد و چیزی نفرمود.»<sup>۱</sup>

پیشینیان ما این‌گونه دین خود را می‌فهمیدند و از جان خویش - که خداوند در آنان به ودیعه نهاده بود - پاسداری می‌کردند.

در «صحیحین» به نقل از «جندب بن عبدالله» آمده است که: رسول خدا ﷺ فرمود: در میان پیشینیان شما، مردی بود که دچار زخمی در بدن شد ولی تاب آن‌را نیاورد و با چاقویی دست خود برید و بر اثر خون‌ریزی جان سپرد. خداوند عزوجل فرمود: «بنده‌ام خود پیش قدم به حضورم شده، از این رو بهشت را بر وی حرام گرداندم.» بنابراین انسان مکلف به دفاع از خویش و دور ساختن هر گونه تجاوزی است. خداوند سبحان می‌فرماید: «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ و در راه خداوند هزینه کنید و با دست خویش، خود را به نابودی نیفکنید، و نیکوکار باشید که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.» (بقره/۱۹۵). و نیز می‌فرماید: «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَعْرِضْهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ \* وَكَمَنْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ \* إِنَّا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ و کیفر هر بدی، بدی‌ای مانند آن است پس هر که درگذرد و به راه آید پاداش وی بر خداوند است، بی‌گمان او ستمگران را دوست نمی‌دارد \* و هر که پس از ستم دیدن، داد ستاند بر اینان ایرادی نیست \* ایراد تنها بر کسانی است که به مردم ستم می‌ورزند و ناحق در زمین سرکشی می‌کنند، اینان عذابی دردناک خواهند داشت.» (شوری/۴۱، ۴۲، ۴۳).

۱- حدیث را «احمد» و «ابوداود» و «دارقطنی» روایت کرده‌اند.

این بدان معناست که دفع تجاوز و قصاص آن در ماه‌های حرام نیز هم‌چون ماه‌های دیگر، رواست؛ «شافعی» با آیه نخست بر وجوب قتل قاتل - درست همان‌گونه که مرتکب قتل شده است - یعنی سر بریدن در صورت سر بریدن، خفه ساختن در صورت خفه ساختن و غرق کردن در صورت غرق کردن و... استدلال کرده است.

آیه دوم نیز از آن حکایت می‌کند که هر جنایتی بر نفس یا مال، با مانند آن روبه‌رو می‌گردد تا ستم‌گران از این کار باز داشته شوند؛ از این رو اسلام بخشش و عفو را دوست داشته و آن را مستحب دانسته و این را حق «ولی دم» می‌داند که بی هیچ فشار یا اجباری و تنها به اراده و اندیشه آزاد خویش اقدام به عفو و گذشت کند: «فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ؛ پس هر که در گذرد و به راه آید پاداش وی بر خداوند است» (شوری/۴۰). در حدیث «سوید بن مقرن»، مشروعیت دفاع از خود و وجوب آن بر مؤمن، روشن می‌گردد؛ وی می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس ناعادلانه کشته شود، شهید است.»<sup>۱</sup> و از «سعد بن زید» نقل شده که می‌گوید: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: «هر کس جدای از مال خود کشته شود، شهید است و هر کس جدای از خون خود کشته شود، شهید است و هر کس جدای از دین خود کشته شود، شهید است و هر کس جدای از خانواده‌اش کشته شود، شهید است.» (الاسلام شریعة الحیاة، ۱۴۰۱ق، ص ۴۳-۴۸).

وظیفه هر فرد و نیز جامعه است که از جانی که خداوند جز به حق، آسیب رساندن به آن را حرام دانسته، پاسداری کند و گرامی‌اش بدارد همان‌گونه که خداوند آن را گرامی داشته و عدالتی را که خداوند بدان فرمان داده، با اجرای شریعت وی و حرکت بر اساس راه و آیین او و عمل به کتاب او و رهنمون‌های پیامبر اکرم ﷺ برقرار سازد.<sup>۲</sup>

به این ترتیب مشاهده می‌شود که اسلام حق زندگی پایدار و در آرامش را برای فرد تضمین کرده و تجاوز به آن را حرام دانسته و برای کسی که دیگری را می‌کشد، قصاص قتل در نظر گرفته تا دیگران را از این عمل زشت باز دارد. خداوند می‌فرماید: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ و شما را ای خردمندان، قصاص زندگانی (نهفته) است باشد که پرهیزگاری ورزید.» (بقره/۱۷۹) و می‌فرماید: «وَكَيْفَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسُ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنُ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفُ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنُ بِالْأُذُنِ وَالسِّنُّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحُ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ و بر آنان در آن (تورات) مقرر داشتیم که جان در برابر جان و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان است و زخم‌ها قصاص دارند و هر کس از آن در گذرد، کفاره گناهان اوست و آن کسان که بنابر آنچه خداوند فرو فرستاده است، داوری نکنند ستمگرند.» (مائده/۴۵) و در جایی دیگر می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ

۱- حدیث را «نسایی» روایت کرده است.

۲- حدیث را «ابو داود»، «نسایی»، «ترمذی» و «ابن ماجه» روایت کرده‌اند و «ابن ماجه» آن را حدیث حسن و صحیح دانسته است.

عَلَيْكُمْ الْفِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرْبِ بِالْحَرْبِ وَالْعَبْدِ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَى بِالْأُنْثَى فَمَنْ عَفَى لَهٗ مِنْ أُخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدِّءِ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَى بِغَدِّكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید قصاص کشتگان بر شما مقرر شده است: آزاد در برابر آزاد و برده در برابر برده و زن در برابر زن و اگر به کسی از جانب برادر (دینی) اش (ولی دم) گذشتی شود (بر ولی دم است) که شایسته پی‌گیری کند و بر قاتل است که خون‌بها را به نیکی به او بپردازد، این آسان‌گیری و بخشایشی از سوی پروردگار شمامست و هر که پس از آن، از اندازه درگذرد عذابی دردناک خواهد داشت.» (بقره/۱۷۸).

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «خون فرد مسلمان تنها در سه حالت، حلال می‌گردد: زن شوهردار زناکار و نفس در ازای نفس و تارک دینی که از جمع [امت] بیرون شده است.»<sup>۱</sup>

## ۲ - حق مردگان

اسلام تنها به حق انسان زنده بسنده نمی‌کند و حق مردهٔ او را نیز پاس داشته است. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «مردگان را دشنام ندهید زیرا آنان به [سزای] آن چه کردند رسیدند.»<sup>۲</sup> و می‌فرماید: «اگر کسی برادر (مؤمن) خود را کفن کرد به نیکویی کفن کند.»<sup>۳</sup> و نیز می‌فرماید: «نیکی‌های مردگانتان را یاد کنید و از بدی‌های ایشان چیزی مگوئید.»<sup>۴</sup> و در جایی دیگر می‌فرماید: «اگر استخوان مسلمان مرده‌ای شکسته شود مانند آن است که استخوان مسلمان زنده‌ای شکسته شده است.»<sup>۵</sup> اسلام حقوق دیگری نیز برای مردگان در نظر گرفته است، از جمله: حق نماز بر مرده و تشییع جنازهٔ او و حق دعا و صدقه دادن برای او و ...

## ۳ - حق آزادی

انسان در انجام کارهای خود تا جایی که به دیگران زیان نرساند، آزاد است، زیرا یکی از قاعده‌های اصولی در این دین قاعدهٔ «لا ضرر و لا ضرار» است. اسلام به آزادی فرا می‌خواند؛ انسان از بدو تولد آزاد است؛ «عمر بن خطاب» می‌گوید: «از چه هنگام مردم را به بردگی گرفته‌اید حال آن که مادرانشان آنان را آزاد به دنیا آورده‌اند». انسان در عقیده خویش آزاد است؛ «لا اکراه فی الدین»؛ در اظهار نظر آزاد است؛ «و امرهم شوری بینهم» و در تأیید خیر و صلاح

۱ - حدیث را «بخاری» روایت کرده است.

۲ - حدیث را «بخاری» روایت کرده است.

۳ - حدیث را «مسلم» روایت کرده است.

۴ - حدیث را «ابو داود»، «حاکم» و «بیهقی» روایت کرده‌اند.

۵ - حدیث را «ابو داود» و «ابن ماجه» و دیگران روایت کرده‌اند.

و انکار شرّ و فساد آزاد است؛ «یأمرون بالمعروف و نهیون عن المنکر» و سرانجام در گزینش شیوه کار خود نیز آزاد است.

اسلام، آزادی ادبی، آزادی علمی، آزادی سیاسی، آزادی مدنی و آزادی اجتماعی را تضمین کرده است مشروط بر آن که آن آزادی سودمند و سازنده باشد، زیرا تجاوز به دیگران جایز نیست؛ اسلام به تهذیب نفس توجه کرده و مهرورزی یا مردم را ارج نهاده و آنان را به عشق و دوستی یکدیگر و عدم تجاوز به منافع دیگران، تشویق و ترغیب کرده است.

## نمودهای آزادی در اسلام

### الف - آزادی انسانی

انسان از بدو تولد، آزاد است و نمی‌تواند از آن کسی یا بنده و برده کسی جز خداوند متعال باشد؛ در همین مورد است که «عمر بن خطاب» گفته مشهور خود را خطاب به «عمرو بن عاص» و فرزندش بر زبان آورده است: «از چه هنگام مردم را به بردگی گرفته‌اید حال آن که مادرانشان آنان را آزاد به دنیا آورده‌اند». بنابراین فرد، در مالکیت فرد دیگری یا دولت نیست؛ او از آزادی کامل و حقوق برابر با همه افراد امت، برخوردار است، حاکم و فرمانروا نیز تنها فردی از میان مردم است که طبق شرایطی زمام کار را برای تصدی امور بر عهده گرفته و مسلمانان بر این اساس با وی دست بیعت داده‌اند. هم‌چنین دولت اسلامی قدرت‌مند باید از کشورهای مستضعف حمایت کند تا آزادی خود را به دست آورند؛ خداوند متعال می‌فرماید: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انتهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ؛ و با آنان تا آنجا نبرد کنید که آشوب از میان بریزد و تنها دین خداوند بر جای ماند پس اگر دست از جنگ باز داشتند، (شما نیز دست باز دارید که) جز با ستمگران دشمنی نباید کرد.» (بقره/۱۹۳).

برخی‌ها به اسلام ایراد می‌گیرند که نظام بردگی را روا دانسته و این نظام به منزله ویرانی حقوق انسان و به رسمیت نشناختن انسان بودن اوست، ولی این منتقدان، به اوضاع و احوال موجود هنگام ظهور دین اسلام و این که بردگان در آن زمان از مهم‌ترین شالوده‌های نظام اقتصادی به شمار می‌رفتند، توجه ندارند. ولی اسلام برای از میان برداشتن این نظام، منابع بردگی را از سرچشمه خشک کرد. اکنون ما شاهد آن هستیم که باندهای سازمان‌یافته در برخی کشورهای غربی مدعی پیشرفت و مدنیت اقدام به ربودن مردان و زنان و کودکان از کشورهای فقیر و عقب افتاده می‌کنند و آنان را به کارهای نامشروعی چون روسپی‌گری و قاچاق و اشاعه مواد مخدر و می‌دارند، تو گویی زمان هزاران سال به عقب بازگشته است.

### ب - آزادی سیاسی

آزادی سیاسی یعنی این که هر فرد عاقل و بالغی، از راه انتخاب یا کاندید شدن برای پست‌های نمایندگی و ... در اداره امور کشوری مشارکت کند. شهروندان در انتخاب کارگزاران و نمایندگان خود

کاملاً آزادند. اسلام این نظام را پذیرفته است و خلفای راشدین چهارگانه همگی از راه مباحثت، تعیین شدند، زیرا اسلام مقرر کرده که خلافت صحیح، خلافتی است که بر اساس مباحثت درستی از سوی مسلمانان صورت گرفته باشد.

همچنان که قوه اجرایی نمی‌تواند در امور مهم دولتی اقدامی کند مگر آن‌که به عموم مردم باز گردد و نظر آنان را همچون نظامات دموکراسی مستقیم، جویا شود. در این باره است که «ابوبکر» پس از عهده‌داری خلافت می‌گوید: «ای مردم! به ولایت بر شما گماشته شدم ولی از شما بهتر نیستم. اگر مرا بر حق یافتید، یاریم کنید و اگر مرا بر باطل یافتید، اصلاح کنید. از من در آن جاهایی که خدا را اطاعت می‌کنم، اطاعت کنید و اگر معصیت کردم، اطاعت نکنید».

و «عمر بن خطاب» در اولین خطبه خود پس از خلافت می‌گوید: «واقعاً اگر مرا کج یافتید، راستم گردانید. مردی برخاست و گفت: اگر تو را کج یافتیم با شمشیر راست می‌گردانیم؛ «عمر» از گفته این مرد به وجد آمد و از این‌که مسلمانان به این میزان از آگاهی رسیده‌اند، خدای را سپاس گفت».

پیامبر خدا ﷺ نیز - که هرگز از روی هوی و هوس سخنی نمی‌گفت - در امور حکومتی با مسلمانان به رایزنی و مشورت می‌پرداخت. خداوند متعال می‌فرماید: «و شاورهم فی الامر» و نیز می‌فرماید: «و امرهم شوری بینهم». پیامبر ﷺ تنها تصمیمی را عملی می‌ساخت که مسلمانان در مورد آن اجماع داشتند. روزی پیامبر اکرم ﷺ در مورد برخی اسرای جنگی و این‌که آنها را بکشند یا آزاد سازند به مشورت با مسلمانان پرداخت، اکثریت بر آن بودند که در ازای «فدیه» آزاد شوند ولی نظر «عمر بن خطاب» و «سعد بن معاذ» آن بود که این اسیران باید کشته شوند. پیامبر خدا نظر اکثریت را پذیرفت و بدان عمل کرد ولی آیه زیر در تأیید نظر «عمر بن خطاب» و گروه وی نازل شد: «مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى يُفْخِنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ بر هیچ پیامبری روا نیست که اسیرانی داشته باشد تا آن‌گاه که در سرزمین خویش، دشمن را از توان بیندازد، (شما از گرفتن اسیر) کالای ناپایدار این جهان را می‌خواهید و خداوند، جهان واپسین را (برای شما) می‌خواهد و خداوند پیروزمندی فرزانه است». (انفال/۶۷).

خلفای راشدین و کسانی که پس از ایشان آمدند نیز بر همین سنت و شیوه نیکو بودند و اگر می‌خواستند اقدام مهمی را انجام دهند همه اهالی منطقه‌ای را که مسئله به ایشان مربوط می‌شد، گردهم می‌آوردند و از ایشان نظرسنجی عمومی به عمل می‌آوردند و طبق نتایج نظرسنجی عمل می‌کردند.

### ج - آزادی اندیشه و نظر

خداوند متعال می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ و باید از میان شما گروهی باشند که (مردم را) به نیکی فرا می‌خوانند و به کار شایسته فرمان می‌دهند و از کار ناشایست باز می‌دارند و اینان هستند که رستگارند» (آل عمران/۱۰۴).



پیامبر اکرم ﷺ نیز می‌فرماید: «برترین جهاد، سخن حق در برابر سلطان ستمگر است.» هم‌چنین می‌فرماید: «کسی که در برابر حق خاموش باشد، شیطان لال است.» و در جایی دیگر می‌فرماید: «هر کس از شما پلشتی‌ای دید آن‌را با دست و اگر نتوانست با زبان و اگر نتوانست در دل تغییرش دهد که این ضعیف‌ترین مرتبهٔ ایمان است.»

اسلام اندیشه را کاملاً آزاد گذاشته و در برابر ابراز نظرات مردم، مانعی ایجاد نکرده و به آنان اجازه داده که در مورد هر چیزی اظهار نظر کنند؛ پیامبر اکرم ﷺ و خلفای راشدین پس از وی، همین اصل را در پیش گرفتند. هم‌چنان که این اصل - آزادی اندیشه - در دوران بنی‌امیه و بخش آغازین دوران بنی‌عباس پیاده می‌شد، به گونه‌ای که مردم حتی از اظهار نظر نسبت به حقانیت بنی‌عباس در خلافت، در برابر خود خلیفه و در عهد «عمر بن عبدالعزیز» و «مامون بن هارون الرشید» و دیگران [از خلفای اموی] منع نمی‌شدند.

آزادی اندیشه علمی نیز در همین چارچوب قرار می‌گیرد، چه هر کس حق تقریر و تدوین ایده‌های خود درباره پدیده‌های فلکی، جغرافیایی، طبیعی و غیره را دارد. اسلام نه تنها در راه اندیشه علمی مانعی ایجاد نکرده بلکه علما و اندیشمندان را به توجه در پدیده‌های جهان هستی و تأمل و تدبّر در آفریده‌های خداوند تشویق و ترغیب کرده است؛ خداوند می‌فرماید: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْأَيْلِ كَيْفَ خَلَقْتُمْ \* وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ \* وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ \* وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ: آیا به شتر نمی‌نگرید که چگونه آن‌را آفریده‌اند؟ \* و به آسمان که چگونه آن‌را برافراشته‌اند؟ \* و به کوه‌ها که چگونه آنها را برگمارده‌اند؟ \* و به زمین که چگونه آن‌را گسترده‌اند؟» (غاشیه/ ۱۷ - ۲۰).

و نیز می‌فرماید: «سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَنْزَامَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ \* وَآيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ \* وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ \* وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ \* لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَنَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ؛ پاک است خداوندی که تمام گونه‌ها را آفرید از آن‌چه زمین می‌رویاند و از خود آنان و از آن‌چه نمی‌دانند \* و شب برای پندگیری آنان نشانه‌ای است که روز را از آن بیرون می‌کشیم پس ناگاه در تاریکی قرار می‌گیرند \* و خورشید که به قرارگاهی که برای آن است، روان می‌باشد؛ این اندازه‌گیری [خداوند] بی‌روزمند داناست \* و برای ماه، منزلگاه‌هایی برآورد کردیم [که در آنها سیر می‌کند] تا مانند شاخهٔ کهنه خوشهٔ خرما، [به هلال وارگی] باز گردد \* نه در خور خورشید است که به ماه رسد و نه شب بر روز پیشی می‌گیرد و هر یک در سپهری شناورند.» (یس/ ۳۶ - ۴۰).

و آیات فراوان دیگری که همگی به بحث و اندیشه و تأمل در ملکوت پروردگار و آفریده‌های وی فرا می‌خوانند، زیرا بحث و تأمل در این پدیده‌ها و آفریده‌ها، حتماً به باور به وجود خدا و اعتقاد عمیق بر اساس پایه‌ها و نظریات علمی منجر می‌گردد و این چیزی است که اسلام به آن فرا می‌خواند و آن‌را دوست می‌دارد. بر همین اساس بود که مدارس و مکتب‌های فقهی متعددی چون مدرسهٔ فقهی

«ابوحنیفه»، «شافعی»، «احمد بن حنبل» و «مالک بن انس» و پیروان ایشان شکل گرفت. ولی با این حال گاه ممکن است نظرات، از راه مستقیم منحرف گردد. این انحراف گناهی است که اسلام مرتکبان آن را مجازات می‌کند. (الاسلام شریعه الحیاه: ص ۷۰ و ۷۱).

## د - آزادی دین و عقیده

اسلام این اصل را پیش از آن که هیچ کدام از کشورهای جهان آن را شناخته باشند، مورد توجه قرار داد. آزادی دینی در اسلام مبتنی بر سه اصل زیر است:

۱ - آزادی گزینش و انتخاب دین؛

۲ - آزادی بحث و مناقشه دینی؛

۳ - ایمان صحیح مبتنی بر قانع ساختن و قانع شدن.

الف - در مورد اصل اول، یعنی آزادی انتخاب دینی، که انسان آن را برای خود بر می‌گزیند باید گفت که اسلام، غیر مسلمانان را وادار به ترک دین خود و پذیرش دین اسلام نمی‌کند. مسلمانان نیز در جنگ‌هایی که داشتند به همین اصل پای‌بند ماندند و مردمان سرزمین‌های فتح شده را به شرط و عدم مقابله با حکومت اسلامی، به حال خود رها می‌کردند، زیرا در قرآن مجید آمده است: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْقِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» در کار دین هیچ اکراه نیست که رهیافت، از گمراهی، آشکار است، پس آن که به طاغوت کفر ورزد و به خداوند ایمان آورد، بی‌گمان به استوارترین دستاویز جنگ‌زده است که هرگز گسستن ندارد و خداوند شنوای داناست.» (بقره/۲۵۶).

و در جایی دیگر از آن آمده است: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» و اگر پروردگارت می‌خواست، تمام آن کسانی که روی زمین‌اند، همگان ایمان می‌آوردند، آیا تو مردم را ناگزیر می‌کنی که مؤمن باشند؟» (یونس/۹۹).

مسلمانان به پیروان ادیان دیگری که در میان آنها زندگی می‌کردند، احترام می‌گذاشتند و از آنان حمایت می‌کردند و شعائر و شعورشان را پاس می‌داشتند؛ در همین باره است که «عمر بن خطاب» در نامه‌ای به مردم «بیت المقدس» - در پی فتح آن - می‌گوید: «این امان‌نامه‌ای است که «عمر» امیرالمؤمنین به اهالی «یلپاء» می‌دهد، آنان در جان و کلیساها و صلیب‌های خود در امان هستند و در مورد دینشان کسی آنان را وادار نمی‌سازد و کسی هم از ایشان زیان نمی‌بیند».

و از جمله پیامدهای آزادی دینی، خوش‌رفتاری اسلام با غیر مسلمانان بر اساس آیات قرآنی زیر است: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» ﴿ إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَوَلَّيْكَمُ الظَّالِمُونَ» خداوند شما را از نیکی ورزیدن و دادگری با آنان که با شما در کار دین

جنگ نکرده‌اند و شما را از خانه‌هایتان بیرون نرانده‌اند، باز نمی‌دارد، بی‌گمان خداوند دادگران را دوست می‌دارد \* خداوند تنها شما را از دوست داشتن کسانی باز می‌دارد که با شما در کار دین جنگ کردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند و یا از بیرون راندنتان پشتیبانی کردند و کسانی که آنان را دوست بدارند، ستم‌گردند.» (ممتحنه/ ۸ و ۹).

ب - آزادی بحث و مناقشه دینی نیز برای مسلمانان و غیر مسلمانان کاملاً فراهم بود و حتی خلفا خود در این مباحثه‌ها و مناظره‌ها شرکت می‌کردند؛ قرآن کریم نیز مسلمانان را به ضرورت پای‌بندی به عقل و خردمندی در مباحثه‌های خود با پیروان ادیان دیگر، سفارش می‌کند: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ؛ مردم را به راه پروردگارت با حکمت و پند نیکو فراخوان و با آنان به روشی که بهتر باشد چالش ورز؛ بی‌گمان پروردگارت به آن کس که از راه وی بیراه شد، داناتر است و او به ره‌یافتگان داناتر است.» (نحل/ ۱۲۵)

«وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِّنْ نَّذِيرٍ مِّنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ؛ و آن‌گاه که ندا سر دادیم تو در سوی [غربی] طور نبودی ولی این وحی، بخشایشی از پروردگار توست تا به گروهی که پیش از تو بیم دهنده‌ای برای آنان نیامده است، بیم دهی، باشد که پند گیرند.» (قصص/ ۴۶).

خداوند متعال خطاب به پیروان ادیان غیر اسلامی می‌فرماید:

«وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ و گفتند هرگز کسی جز یهودی و مسیحی به بهشت در نمی‌آید؛ این آرزوی آنهاست، بگو اگر راست می‌گویید، هر برهانی دارید بیاورید.» (بقره/ ۱۱۱) و «يَوْمَ نَبِّئُ الَّذِينَ كَفَرُوا قُلُوبُهُمْ مُّغْضِبٌ مِّنْ رَبِّكَ وَأُولَئِكَ يُسْمَعُونَ؛ و آن روز ما فرشتگان را به سوی آنان فرو می‌فرستادیم و مردگان با ایشان سخن می‌گفتند و همه چیز را پیش روی آنان گرد می‌آوردیم، سر آن نداشتند که ایمان آورند مگر آن که خداوند بخواهد اما بیشتر آنان نادانی می‌کنند.» (انعام/ ۱۱۱) و «قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ اتَّخَذُوا مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ آتَارَةً مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ بگو آیا آن‌چه را به جای خداوند [به پرستش] می‌خوانید، دیده‌اید؟ به من بنمایید که روی زمین چه آفریده‌اند؟ یا [آیا] در پدید آوردن آسمان‌ها شرکت داشته‌اند؟ اگر راست می‌گویید کتابی را که پیش از این بوده یا نشانی که از دانشی باز مانده است، برای من بیاورید.» (احقاف/ ۴).

ج - اصل سوم، قانع ساختن و قانع شدن پیش از پذیرش اسلام است؛ یعنی غیر مسلمانان و اادار به ترک دین خود نمی‌شوند، زیرا ایمان بدون پذیرش قلبی، سودی ندارد. اگر مسلمان ضعیف ایمان و سست عقیده باشد نمی‌توان به او اعتماد کرد یا او را الگو قرار داد؛ به همین دلیل اسلام ما را به اندیشه خردمندانه جدی در کار خدا و آفریده‌های او و ایمان درست و کامل و برخاسته از تعقل و تدبیر و اقتناع فرا می‌خواند، چنان‌که برخی فقها ایمان تقلیدی را نادرست می‌دانند.

«امام محمد عبده» در این باره می‌گوید:

«تقلید بدون تعقل و هدایت، کار کافران است و آدمی در صورتی که دین خود را با تعقل دریافت و خود را شناخت و قانع گردید، مؤمن [واقعی] است و کسی که به آموختن بدون خرد و کار بدون فهم - حتی اگر کار نیکی باشد - پرورش یافته باشد، مؤمن نیست. منظور از ایمان آن است که انسان خود را با دانش آمیخته و آموخته کند و کار نیک انجام دهد چون می‌داند که کار نیک، پسندیده و مورد رضای الهی است و از کارهای شرّ دوری گزیند چون به فرجام بد و میزان زیان آن واقف است.»

#### ۴ - حق برابری

پیش از اسلام، نظام طبقاتی بر جهان حاکم بود و بهره‌گیری انسان از هم‌نوع خود و ستم به او و اهانت به انسانیت او و آسیب‌رساندن به کرامت و عزّت او امری عادی بود. زن در آن جوامع، کمترین بهایی نداشت و تنها ابزاری در دست همسری بود که می‌توانست او را بکشد و در معرض انواع شکنجه و آزار قرار دهد.

ستمگری همگانی تا ظهور اسلام، همه جا شایع بود. اسلام به برادری فراخواند و حقوق زن را به عنوان انسان به وی باز گرداند و روشن ساخت که ستم و نابرابری با طبیعت بشریت منافات دارد، زیرا مردم با یکدیگر برابرند و میان عرب و عجم جز به تقوا، تفاوتی وجود ندارد و باید در حقوق و وظایف، برابر باشند.

اسلام میان بنده و ارباب، سیاه و سفید و ... تفاوت قایل نمی‌شود و همگان را برادران و دوستدار یکدیگر قرار داده است. خداوند می‌فرماید: «کونوا عباد الله اخوانا؛ بندگان خدا! برادران یکدیگر باشید» و به این ترتیب اسلام توانست امت نیرومند و به هم‌پیوسته‌ای ایجاد کند.

در این باره آقای «جب» در کتاب خود: «وقتی اسلام مطرح است» می‌گوید: «ولی اسلام هنوز هم می‌تواند به بشریت خدمت گران‌سنگ و والایی تقدیم کند؛ هیچ نهادی جز اسلام قادر به همیسته ساختن نژادهای مختلف و متخاصم بشریت در جبهه‌ای واحد و بر اساس برابری نیست. جامعه بزرگ اسلامی در آفریقا و هند و اندونزی و حتی آن جامعه کوچک اسلامی در چین و جامعه کوچک اسلامی در ژاپن، همه و همه بیان گر آن‌اند که اسلام هم‌چنان توان آن را دارد که بر امثال این عناصر با نژادها و طبقات مختلف چیره گردد؛ چنان‌چه درگیری‌های کشورهای بزرگ شرق و غرب مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد مطمئناً برای حل و فصل این درگیری‌ها، دست به دامان اسلام می‌گردید. (به نقل از: ابراهیم محمد اسماعیل در کتاب الاسلام و المذاهب الاقتصادية المعاصرة).

بنابراین اسلام، نخستین تثبیت‌کننده برابری میان مردم است: «مردم چون دندانه‌های یک شانه با هم برابرند». نمودهای این برابری نیز به موارد زیر باز می‌گردد:

نمایش تحقیر

سال پنجم / شماره نوزدهم

## الف - برابری انسانی

مردم با یکدیگر برابرند و تفاوتی میان آنان نیست، چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «همگی از آن آدم و آدم از خاک است». (از خطبه رسول اکرم در حجه الوداع).

ثروتمند و فقیر در ارزش انسانی با یکدیگر برابرند و از این نظر جز در کار نیک و شایستگی‌های برتر و در آنچه فرد به خدای خود و به برادران خود و به وطنش تقدیم می‌کند، تفاوتی میان مردم وجود ندارد. (حقوق الانسان فی الاسلام).

اسلام، بر نگاه‌های قبیله‌ای و تعصب‌های جاهلی خط بطلان کشیده و اختلاف طبقات و تفاوت میان برده‌ها و آزاده‌ها را از میان برداشت. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بسیاری از بردگان را به خود نزدیک می‌ساخت و آنان را بر صحابه برتری می‌بخشید و به عنوان فرماندهان لشکرهایی که در میانشان بهترین و گرامی‌ترین صحابه‌ها حضور داشتند، می‌گماشت؛ بنابراین در اسلام تبعیض به خاطر حسب و نسب مطرح نیست. خداوند می‌فرماید: «اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمُرْءُطَةِ الْخَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَصُلُّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ؛ مردم را به راه پروردگارت با حکمت و پند نیکو فراخوان و با آنان با روشی که بهتر باشد چالش ورز؛ بی‌گمان پروردگارت به آن کس که از راه وی بیراه شده، داناتر است و او به ره‌یافتگان داناتر است.» (نحل/۱۲۵) و نیز می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ ای مردم! ما شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را گروه‌ها و قبیله‌ها کردیم تا یکدیگر را بازشناسید، بی‌گمان گرامی‌ترین شما نزد خداوند پرهیزگارترین شماست؛ به راستی خداوند دانایی آگاه است.» (حجرات/۱۳).

پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در خطبه «حجه الوداع» می‌فرماید: «ای مردم! خدای شما یکی و پدر شما یکی است، همگی از آن آدم و آدم از خاک است. گرامی‌ترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماست. هیچ عربی بر غیر عرب و هیچ غیر عربی بر عرب و هیچ سرخ‌پوستی بر سفیدپوست و هیچ سفیدپوستی بر سرخ‌پوست و سیاه‌پوست برتری ندارد مگر به تقوا. آیا این پیام را رساندم؟ خداوند! گواه باش. این پیام را حاضران به غایبان برسانند.» روایت شده که روزی «ابوذر غفاری» در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله با بردهٔ سیاه‌پوستی جر و بحث کرد و نسبت به آن برده، خشم گرفت و با تندى به او گفت: ای فرزند زن سیاه! پیامبر صلی الله علیه و آله خشمگین شد و فرمود: «پیمان‌ه لبریز شد، پیمان‌ه لبریز شد [کار از حد خود گذشت]، فرزند زن سفید بر فرزندان سیاه، جز به تقوا و کار نیک، برتری ندارد» «ابوذر» غمناک شد و گونهٔ خود را بر زمین گذاشت و به آن برده گفت: «برخیز و بر گونه‌ام لگد بزن».

## ب - برابری قانونی

اسلام برابری همگان در برابر قانون و در حقوق عمومی را مقرر کرد. مردم همگی با هم برابرند، تفاوتی میان فرمانروا و فرمانبر، پادشاه و گدا، دارا و ندار و... وجود ندارد. «ابوبکر» در این باره در اولین

سخنرانی پس از به عهده گرفتن خلافت می‌گوید: «... ضعیف شما از نظر من قدرت‌مند است تا حق او را باز ستانم و نیرومند شما از نظر من ضعیف است تا حق را از وی بازپس گیرم.»

### ج - برابری در اندیشه و عمل «عمر بن خطاب»

«عمر بن خطاب» که خود بنیان‌گذار نظام قضا در اسلام است و سامان‌دهی و برقراری این نظام بر اساس نیرومندی برگرفته از کتاب خدا و سنت پیامبر اکرم ﷺ به دست او صورت گرفت، می‌گوید: «ای مردم! به خدا سوگند که هیچ‌کس از شما نزد من نیرومندتر از ضعیف نیست تا این‌که حق او را بازستانم و هیچ‌کس نزد من ضعیف‌تر از قوی نیست تا حق را از وی باز ستانم.» و طی نامه‌ای به «ابو موسی اشعری» - یکی از قاضیان خود - بیشتر احکام قضا در اسلام را برشمرد. وی در این نامه می‌گوید:

«از بنده خدا «عمر بن خطاب» امیرالمؤمنین به «عبد الله بن قیس»: سلام علیکم؛ اما بعد، بدان که قضا از فرضیه‌های استوار و سنت‌های پیروی شده است، وقتی اظهاراتی می‌شود، خوب درک و تأمل کن و هرگاه [حقیقت] برایت روشن شد، اجرا کن [حکم کن] زیرا سخن گفتن از حق بدون اجرا، سودی ندارد؛ در چهره و عدالت و نشست و برخاست خود، مردمان را برابر بدار تا هیچ صاحب‌مقامی به بی‌عدالتی‌ات طمع نوزد و هیچ ضعیفی از عدالتت، نومید نشود.»

«عمر» در وصیت خود به خلیفه پس از خود نوشت: «مردم را نزد خود برابر بدار، از کاری که حق، انجام آن را ایجاب می‌کند هراسی به دل راه مده و برای کسب رضایت خدا، از سرزنش کسی هراسان مباش و مبادا که در آن‌چه خدایت به تو سپرده، کسی را ترجیح یا برتری ببخشی.»

تاریخ اسلام نیز به ما یادآوری می‌کند که اساس و شالوده اصول ساده و استوار برابری همگان در برابر قضا، در دوره پیامبر اکرم ﷺ و خلفای راشدین، پی‌ریزی گردید، چه روایت شده که «اسامه بن زید» که از عزیزترین صحابه رسول خدا ﷺ بود به حضور ایشان رسید تا برای «فاطمه بنت اسود مخزومیه» را - که به اجرای حدّ دزدی محکوم شده بود - شفاعت کند، پیامبر خدا ﷺ از «اسامه» خشمگین شد و به رغم محبتی که به وی داشت این عمل او را نپسندید و جایگاهش نزد آن حضرت، شفاعتی برایش به دنبال نداشت. حضرت به او فرمود: آیا در مورد جاری ساختن حدّی از حدود الهی، شفاعت می‌کنی؟ آن‌گاه برخاست و خطاب به مردم فرمود: «بدانید که پیشینیان شما از آن رو هلاک شدند که وقتی صاحب نفوذی دزدی می‌کرد او را رها می‌کردند ولی اگر ضعیفی می‌دزدید، حدّ را بر وی جاری می‌ساختند، به خدا سوگند اگر «فاطمه دختر محمد» هم دزدی کند، دست او را می‌برم.»

در زمان خلافت «عمر» یک یهودی از «علی بن ابی طالب» ؓ نزد «عمر بن خطاب» شکایت کرد. وقتی آن دو به حضور وی رسیدند «عمر»، فرد یهودی را به نام و «علی» ؓ را طبق عادتی که در گفت‌وگو با وی داشت، به کنیه‌اش - ابوالحسن - مورد خطاب قرار داد، در این حالت آثار خشم بر چهره

«علی» علیه السلام آشکار شد. «عمر» به او گفت: آیا ناخوش داری که خصم تو یهودی باشد و هر دو در برابر قضا، برابر باشید؟ «علی» علیه السلام فرمود: خیر، ولی از آن خشمگین شدم که تو با من و او یکسان و برابر برخورد نکردی و مرا بر او برتری بخشیدی، زیرا او را به نام و مرا به کنیهام خطاب کردی.»

و روایت شده که «عمرو بن عاص» هنگامی که پدرش کارگزار مصر بود، مردی از عوام مصر را زد. وقتی این مرد سوگند یاد کرد که شکایتش را نزد امیرالمؤمنین «عمر بن خطاب» خواهد برد، به او گفت: برو و شکایت کن، از شکایت تو گزندى به من نمى‌رسد چون من فرزند بزرگوارانم. وقتی خلیفه «عمر بن خطاب» با نزدیکان خود از جمله «عمر بن عاص» و فرزندش در موسم حج بود مرد مصری خطاب به «عمر» گفت: ای امیرالمؤمنین! این مرد - و به فرزند «عمرو» اشاره کرد - به ستم مرا زد و هنگامی که تهدیدش کردم که شکایتش را نزد تو می‌آورم، گفت: برو و شکایت کن، از شکایت تو گزندى به من نمى‌رسد چون من فرزند بزرگوارانم. «عمر» نگاهی به «عمرو بن عاص» انداخت و سخنان مشهور خود را بر زبان راند: «از چه هنگام مردم را به بردگی گرفته‌اید حال آن‌که مادرانشان آنان را آزاد به دنیا آورده‌اند؟» سپس رو به شاکى کرد و کیسه پولش را به وی داد و گفت: «با آن فرزند بزرگوارترین را هم‌چنان که تو را زد، بزَن.»

در روایتی دیگر آمده است روزی «عمر بن خطاب» به سخنرانی ایستاد و گفت:

«ای مردم! به خدا سوگند برای شما کارگزار روانه نکردیم تا بر چهره‌های شما بنوازند یا ده یک از اموالتان را بستانند بلکه آنها را روانه کردیم تا دین و سنت را به شما آموزش دهند؛ هر کس کاری جز این با وی کردند به من گزارش دهد و سوگند به آن کس که جان عمر در ید قدرت اوست، از وی قصاص خواهیم گرفت.»

هم‌چنین، روایت شده است که «عمر بن خطاب» در حالی که خلیفه مسلمانان بود، مرد و زنی را در حال انجام فحشا دید، مردم را فراخواند و خطاب به آنها گفت: «نظرتان دربارهٔ مرد و زنی که امیرالمؤمنین آنها را در حال انجام فحشا دیده است، چیست؟ «علی بن ابی طالب» برخاست و پاسخ داد: امیرالمؤمنین باید چهار شاهد بیاورد یا خود هم‌چون سایر مسلمانان، به جرم تهمت، شلاق خورد. آن‌گاه این آیه از قرآن کریم را تلاوت فرمود: «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛ و به کسانی که به زنان پاکدامن تهمت (زنا) می‌زنند سپس چهار گواه نمی‌آورند، هشتاد تازیانه بزنید و دیگر هرگز گواهی آنان را نپذیرید و آنان‌اند که نافرمان‌اند.» (نور/۱).

سپس عمر خاموش شد.

اسلام این برابری را در مورد مسلمانان و غیر مسلمانان در عمل پیاده کرد، زیرا غیر مسلمانان در هر کشور اسلامی نیز همان حقوق و وظایفی را خواهند داشت که مسلمانان دارند. این برابری بر تمامی نظام قضایی کشورهای اسلامی بی‌هیچ تغییری - مگر در مورد دین آنها و در راستای احترام به اعتقادات ایشان - اجرا می‌شود. (رافی، حقوق الانسان فی الاسلام).

در «ایالات متحده آمریکا» که مدعی پاسداری از تمدن و مهد آزادی و پیشتاز در آزادی و برابری است، میان سیاه و سفید تبعیض قایل می‌شوند؛ به سیاهان اجازه داده نمی‌شود در همان دادگاه‌های سفیدپوستان، اقامه دعوا کنند آنها دادگاه‌های ویژه‌ای دارند و در مدارس ویژه آموزش می‌بینند و اتوبوس‌های عمومی ویژه خود را سوار می‌شوند و در محله‌های ویژه خود زندگی می‌کنند و حق درآمیختن با سفیدپوستان را ندارند. (الاسلام شریعة الحیاة، ص ۴۹ و ۵۰).

در اسلام مردم هم‌چون دندانه‌های یک شانه در ارزش‌های مشترک انسانی، برابری و میان زن و مرد و برده و آزاد، تفاوتی وجود ندارد؛ خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُرُوبًا وَقَيْلًا لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ ای مردم! ما شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را گروه‌ها و قبیله‌ها کردیم تا یک‌دیگر را بازشناسید، بی‌گمان گرامی‌ترین شما نزد خداوند پرهیزگارترین شماست؛ به راستی خداوند دانایی آگاه است.» (حجرات/۱۳).

پیامبر اسلام ﷺ در «حجه الوداع» می‌فرماید: «ای مردم! خدای شما یکی و پدر شما یکی است، همگی از آن آدم و آدم از خاک است. هیچ عربی بر غیر عرب و هیچ غیر عربی بر عرب و هیچ سرخ‌پوستی بر سفیدپوست و هیچ سفیدپوستی بر سرخ‌پوست و سیاه‌پوست جز به تقوا، برتری ندارد.»

**۵ - حق انسان در حمایت از شرف و حرمت و زندگی خصوصی خویش**

هر انسان حق دارد در عرض و ناموس و شرف خود مورد حمایت قرار گیرد. زندگی خصوصی افراد در اسلام مصون و محترم است و هر گونه تجاوزی به آن، مجازات دنیوی و اخروی دارد؛ برای مثال، هر کس با ارتکاب زنا، به حریم دیگران تجاوز کند مجازاتش مرگ (در صورت داشتن همسر) و تازیانه (در صورت نداشتن همسر) است.

خداوند می‌فرماید: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِئَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ به هر یک از زن و مرد زناکار، صد تازیانه بزنید و اگر به خداوند و روز بازپسین ایمان دارید نباید در دین خدا، بخشایشی بر آن دو، به شما دست دهد و هنگام عذابشان باید دسته‌ای از مؤمنان گواه باشند.» (نور/۲).

رسول خدا ﷺ نیز می‌فرماید: «خون هر فرد مسلمان حلال نمی‌شود مگر در سه مورد...» که از جمله آنها از زنا، محصنه یاد کرد. و نیز فرمود: «هر کس به خاطر مال خود کشته شود شهید است، هر کس به خاطر خون خود کشته شود شهید است و هر کس به خاطر دین خود کشته شود، شهید است و هر کس به خاطر خویشانش کشته شود شهید است.»<sup>۱</sup>

۱- این حدیث را «احمد»، «ابوداود»، «نسائی» و «ترمذی» روایت کرده‌اند.



## ۶ - حق مالکیت و حرمت مال دیگران

اسلام به مالکیت و دارایی اشخاص احترام می‌گذارد و آنها را پاس می‌دارد و تجاوز به آنها را تحریم می‌کند و متجاوزان را مجازات می‌فرماید، خداوند عزوجل می‌گوید:

«لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفَى الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ؛ نیکوکاری آن نیست که روی را سوی خاور و باختر بگردانید بلکه نیکی (از آن) کسی است که به خداوند و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیامبران ایمان آورد و دارایی را با دوست داشتنش، به نزدیکان و یتیمان و بیچارگان و به راه‌ماندگان و کمک‌خواهان و در راه (آزادی) بردگان، ببخشد و نماز برپای دارد و زکات بپردازد و آنان که چون پیمان‌بندند به وفا کنند و بویژه شکیبایان در سختی و رنج و در هنگامه کارزار؛ آنان راستگویند و آنانند که به راستی پرهیزگارند.» (بقره/۱۷۷).

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«هر کس مال برادرش را بدزدد، خداوند دوزخ را بر وی واجب و بهشت را بر او حرام می‌گرداند. مردی پرسید: حتی اگر چیز اندکی باشد ای رسول خدا؟ حضرت ﷺ فرمود: حتی اگر یک تکه خاشاک باشد.»

شرع مقدس اسلام حق حمایت از همه دارایی‌های انسان و دفاع از آن را تضمین کرده است؛ در همین راستا پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «هر کس برای مالش کشته شود شهید است.»

از جمله نمودهای حمایت از مالکیت خصوصی افراد، تحریم دزدی و اعمال شدیدترین مجازات‌ها برای آن است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ و دست مرد و زن دزد را به سزای آن‌چه کرده‌اند، به کیفری از سوی خداوند، ببرید و خداوند پیروزمندی فرزانه است.» (مائدہ/۳۸).

هر حقی، مبتنی بر سندی است و همه حقوق مقرر در اسلام، بر پایه قوانین و احکامی است که خود آنها را سامان می‌بخشد و تأمین آنها را برای هر انسانی به صورت کامل تضمین می‌کند.

### مهمترین راه‌های مالکیت در اسلام:

اسلام اجازه می‌دهد که از راه خرید و فروش، بخشش و وصیت مالکیت حاصل شود؛ اینها همه راه‌های شرعی مورد قبول همه قوانین و ادیان و مکتب‌های اقتصادی است. اسلام هم‌چنین مالکیت از راه کسب و کار حلال را نیز به رسمیت می‌شناسد ولی در عین حال مالکیت از راه ستم، غصب و بهره‌کشی را نفی می‌کند؛ «پاک‌ترین کسب‌ها، کار آدمی به دستان خویش است.»

## ۷- حق تأمین اجتماعی

دعوت اسلامی، دعوتی فراگیر و عمومی به دین و دنیاست که همه مردم در هر زمان و مکانی را در بر می‌گیرد، و همان‌گونه که شریعت اسلام به بیان بنیادهای دین و قواعد آن توجه کرده، به بنای جامعه و شکل‌دهی به زندگی بر اساس پایه‌ها و شالوده‌هایی همسو با ارزش‌ها و بنیادهای دین هم توجه کرده است و در این راستا هر آن‌چه را مخالف طبیعت و فطرت پاک و سالم انسان است، لغو کرده و به همین دلیل ربا و زنا و قتل و شرب خمر و قمار و زنده به گور کردن دختران و هر آن‌چه به مفهوم تجاوز مادی و معنوی به ایشان است را تحریم کرده و پاکی‌های هر چیز را مباح دانسته و از پلشتی‌ها نهی کرده است.

اسلام، از جامعه در برابر فقر و تنگ‌دستی حمایت می‌کند؛ از مستمندان و نیازمندان و یتیمان حمایت نموده و برای آنان در اموال ثروت‌مندان حقی منظور می‌کند. خداوند می‌فرماید: «أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ ﴿۱﴾ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ ﴿۲﴾ وَتَأْخُضُ عَلَيَّ طَعَامِ الْمَسْكِينِ؛ آیا آن کس را که روز پاداش و کیفر را دروغ می‌شمارد، دیده‌ای؟ ﴿۳﴾ او همان کسی است که یتیم را می‌راند ﴿۴﴾ و مردم را به سیر کردن مستمند بر نمی‌انگیزد» (ماعون/۳-۱) و «لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ إِذَا عَاذُوا الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ؛ نیکوکاری آن نیست که روی را سوی خاور و باختر بگردانید بلکه نیکی [از آن] کسی است که به خداوند و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد و دارایی را در عین دوست داشتنش، به نزدیکان و یتیمان و بیچارگان و به راه‌ماندگان و کمک‌خواهان و در راه [آزادی] بردگان، ببخشد و نماز برپای دارد و زکات بپردازد و آنان که چون پیمان بندند وفا کنند و به ویژه شکیباییان در سختی و رنج و در هنگامه کارزار، آنان راستگویند و آنان‌اند که به راستی پرهیزگارند» (بقره/۱۷۷).

پیامبر اکرم ﷺ نیز می‌فرماید: «کسی که شب سیر بخوابد و بداند همسایه‌اش گرسنه مانده است، مؤمن نیست».

### حقوق همسایه

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «جبرائیل چنان به همسایه سفارش کرد که گمان بردم ارث هم می‌برد.» و نیز فرمود: «من و سرپرست یتیم هر دو به بهشت می‌رویم.»

دستورات اسلام درباره لزوم رعایت حال همسایه تمامی جنبه‌های زندگی اجتماعی و اقتصادی را در بر می‌گیرد؛ به همین دلیل اسلام جامعه را بر بنیادهای اصلی بنا کرده که خود این مسئله، رعایت و حمایت اجتماعی را در پی دارد؛ قرآن کریم در جاهای متعددی به این نکته اشاره کرده است: «وَتَقَدَّرْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي سَبْعِ الْاَوَّلِينَ؛ و به راستی پیش از تو [پیامبرانی] در میان امت‌های پیشین فرستادیم.» (حجر/۱۰) و نیز

می فرماید: «رَاعِضُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفْرُقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً نَسَلَفَ نَسْلَفٌ قَلْبُكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ و همگان به ریسمان خداوند بیاویزید و مپراکنید و نعمت‌های خداوند را بر خود به یاد آورید که دشمنان هم‌دیگر بودید و خداوند دل‌های شما را الفت داد و به نعمت او با هم برادر شدید؛ و در لبه پرتگاهی از آتش بودید که شما را از آن رهانید؛ بدین گونه خداوند آیات خود را برای شما روشن می‌گوید باشد که شما راهیاب گردید.» (آل‌عمران/۱۰۳).

وقتی قرآن این برادری را مقرر می‌کند، آن را به عنوان یک حقیقت در نظر می‌گیرد و هر کس باید با مؤمنان به عنوان برادران خویش برخورد کند، هم‌چنان که نباید از میان کافران دوست یا برادری برگزیند حتی اگر از خویشان وی باشند. خداوند به کسانی که روابط با غیر مؤمنان را بر [ارتباط با] خدا و رسول خدا ترجیح می‌دهند، سخت هشدار می‌دهد و می‌فرماید: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ گروهی را نمی‌یابی که با ایمان به خداوند و روز واپسین، با کسانی که با خداوند و پیامبرش مخالفت ورزیده‌اند، دوستی ورزند، هر چند که آنان پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشانشان بوده باشند؛ آنان‌اند که خداوند ایمان را در دلشان بر نوشته و با روحی از خویش، تأییدشان کرده است و آنان را به بهشت‌هایی در می‌آورد که از بن آنها جویباران، روان است، و در آنها جاودان‌اند. خداوند از آنان خرسند است و آنان از وی خرسندند، آنان حزب خداوندند، آگاه باشید که بی‌گمان حزب خداوند است که (گرویدگان به آن) رستگارند.» (مجادله/۲۲).

## اصول تأمین اجتماعی در اسلام

- ۱- برادری صادقانه همه مسلمانان با یک‌دیگر؛ «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ».
- ۲- دوستی مؤمنان با یک‌دیگر؛ «لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ؛ ای مؤمنان! ... دشمن من و دشمن خود را دوست مگیرید...» (ممتحنه/۱) که حکمی منطقی است، زیرا منافق دو دل و دو رو، نمی‌تواند هم‌پیمان و دوست مؤمنی باشد که خدا و رسول خدا را بر کسی ترجیح می‌دهد، زیرا اینان به اسلام به عنوان یک دین و به حضرت محمد ﷺ به عنوان پیامبر و فرستاده خدا، ایمان ندارند و بنابراین نمی‌توانند دوستدار مسلمانان باشند.
- ۳- برابری مسلمانان در خون؛ خون هر کس عزیز است و باید حرمت آن پاس داشته شود؛ پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «مسلمانان در خون، با یک‌دیگر برابرند و کمترین آنها بر ایشان حق دارد و آنها در برابر دیگران یک‌دل و یک‌صدایند.»

۴- وجوب محبت و مهرورزی میان مؤمنان. رسول اکرم ﷺ در این باره می‌فرماید: «برای مردم همانی را دوست بدار که برای خود دوست می‌داری» و نیز می‌فرماید: «ایمان نیاورده کسی مگر آن‌چه را که برای خود دوست می‌دارد برای برادرش نیز دوست بدارد».

### حق زنان

اسلام میان زن و مرد تبعیض قایل نیست و در بسیاری از حقوق آنها را با هم برابر دانسته و در برخی حقوق، یکی را بر دیگری ترجیح داده است. تبعیضی وجود ندارد مگر در حدود معین و بنابر ضرورت‌هایی که مصلحت هر کدام از آنها یا مصلحت جامعه ایجاب می‌کند.

خداوند می‌فرماید: «فَأَسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ؛ آن‌گاه پروردگارشان به آنان پاسخ داد که من پاداش انجام دهنده هیچ کاری از شما، چه مرد و چه زن - که همانند یکدیگرید - را تباہ نمی‌گردانم...» (آل عمران/۱۹۵) و نیز می‌فرماید: «وَلَقَدْ نَعَلْنَا أَوَّلَ مَا بَدَأْنَا مِن دَابَّةٍ أُنْثَىٰ لِيَلْزَمْنَ الذَّكَرَ فَمَا اسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ؛ و در جایی دیگر می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُوْلَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يَطْلُبُونَ نَجِيرًا؛ و کسانی که کارهای شایسته انجام دهند چه مرد، چه زن و مؤمن باشند به بهشت در می‌آیند و سر سوزنی ستم نخواهند دید.» (نساء/۱۲۴).

و پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «زنان خواهران مردانند». علاوه بر این، اسلام شخصیت حقوقی مستقل زن را پاس می‌دارد. او حق تملک، عقد و پیمان و انجام هر کاری و نیز حق مشارکت در زندگی عمومی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را دارد.

### اسلام و زن

اسلام آمد تا جلو ظلم و ستم را بگیرد و مانع از بهره‌کشی انسان از انسان گردد و راه آزادی را در برابر همه مردم اعم از غنی و فقیر، قدرت‌مند و ناتوان، آزاد و برده و ... هموار سازد و حقوق را نه تنها به مردان که به زنان نیز تقدیم دارد.

زن در وضعیتی قرار داشت که شایسته انسان نبود؛ از هیچ حقی برخوردار نبود، کسی او را به حساب نمی‌آورد نمی‌گرفت و کار به جایی رسیده بود که در شیرخوارگی او را زنده بگور می‌کردند و در بزرگسالی در کنار میراث، او را به ارث می‌بردند.

### گرومیداشت زن در اسلام

اسلام شأن و منزلت زن را بالا برد و حقوق او را به عنوان شریک مرد در زندگی به وی بازگرداند. خداوند در جاهای بسیاری از قرآن مجید از زن و مرد یاد کرده و گفتمان‌های تکلیفی را خطاب به هر دوی آنها ایراد کرده است؛ از جمله می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ

لَتَعَارَفُوا إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ إِنْ أَلَّاكُمْ عَلَيْهِمْ خَيْرٌ؛ ای مردم! شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را گروه‌ها و قبیله‌ها کردیم تا یک‌دیگر را بازشناسید، بی‌گمان گرامی‌ترین شما نزد خداوند پرهیزگارترین شماست، به راستی خداوند دانایی آگاه است.» (حجرات/۱۳).

و دربارهٔ زنان می‌فرماید: «هُنَّ نِئَابُكُمْ وَأَنْتُمْ نِئَابُ هُنَّ...» آنها جامعه شما و شما جامعه آنها هستید...» (بقره/۱۸۷). هم‌چنان که پیامبر اکرم ﷺ نیز می‌فرماید: «زنان خواهران مردان‌اند.»

اگر اسلام حقوق زن را به او داده و در بسیاری موارد او را با مرد برابر ساخته است، این برابری از همه نظر کامل نیست، بلکه مواردی وجود دارد که ویژهٔ مردان و موارد دیگری ویژهٔ زنان است که در جای خود به توضیح آنها خواهیم پرداخت. خداوند متعال انسان را زن و مرد آفریده و برای هر کدام ویژگی‌ها و شایستگی‌هایی متناسب با وظایف خود در زندگی، در نظر گرفته است؛ به مرد نیروی جسمانی بخشیده تا به دنبال کسب روزی رود و به زن مهر و عطف بخشیده تا بتواند فرزندانش را پرورش دهد و آنان را به نیکویی تربیت کند و شاعر چه زیبا گفته است که:

مادر مکتبی است که اگر آن‌را به درستی آماده کنی ... ملتی نیکوسرشت تدارک دیده‌ای.

### ادعاهای باطل

هر از گاهی، ندهایی مبنی بر برابری زن و مرد به گوش می‌رسد، گویا این نکته نادیده گرفته شده است که زن، مادر و خواهر و دختر و همسر مرد است، و مرد نیز نسبت به زن، پدر و برادر و فرزند و همسر اوست. آنها از یک نفس آفریده شده و هریک مکمل دیگری و نه در تناقض با یک‌دیگرند؛ هیچ‌کدام نباید به دیگری ستم روا دارد و هیچ دلیلی برای چنین فریادهایی که هدف از آن پراکندن جامعه و فاسده‌جویی و برهم زدن روابط مرد با خواهر یا زن و شوهر و مادر و فرزند اوست، وجود ندارد.

خداوند مرد و زن را از یک نفس آفریده و جسم هر کدام را متناسب با نقشی که در زندگی دارند، در نظر گرفته است و وقتی خداوند خود میان آنان تفاوت قابل شده چرا ما متفاوت بودن آنها را نمی‌پذیریم. خداوند متعال می‌فرماید: «وَلِلرَّجَالِ عَظْمَةٌ كَعَظْمَةِ نِسَاءٍ؛ و مردان را بر زنان، پایه‌ای برتری است...» (بقره/۲۲۸). برابری کامل میان مرد و زن، غیرممکن است. خداوند به زن، وظایف و نقش‌هایی سپرده که مرد از انجام آنها برنمی‌آید. برای مرد نیز وظایف دیگری در نظر گرفته است و هر کدام مسئولیت‌های خاص خود را در ازای خانواده و جامعه برعهده دارند. بنابراین لازم است مقام زن را از آن سطح انسانی و شایسته‌ای که خداوند برای وی در نظر گرفته است، پایین نیاوریم.

اسلام نمی‌پذیرد که زن، خوار گردد یا حرمت وی آسیب بیند یا انسانیتش هتک شود؛ اسلام زن را در جایگاه مناسب خود قرار می‌دهد تا بتواند فرزندان خود و جوانان و مردان آینده و حامیان و قهرمانان است را پرورش دهد.

اسلام به زن فرصت کار کردن خارج از خانه را، در صورت وجود ضرورت برای این کار، می‌دهد. چه اگر ضرورتی وجود نداشته باشد همان بهتر که زن در خانه بماند و به فرزندانش رسیدگی کرده و آنها را تربیت کند. تربیت فرزندان، کار ساده‌ای نیست و زنی که فرزندان قدرتمند و سالم و توانا و با معلومات به وطن تقدیم می‌کند بهتر از زنی است که فرزندان خود را به دست مریبانی می‌سپارد که چه بسا اخلاقتشان را فاسد می‌کنند و آسیب جدی به نسل جوان و آینده امت وارد می‌آورند.

کار زن در خانه، اهمیت بیشتری نسبت به کار وی در خارج از خانه دارد و وظیفه امت نیز آن است که به زن راه‌های برتر در ادارهٔ خانه و رسیدگی به خانواده را آموزش دهد. البته این کار مانع از مشارکت وی در زندگی اجتماعی و کمک به زندگی سیاسی در جامعهٔ خود نیست؛ او حق عهده‌داری و وظایف عمومی و مشارکت در جمعیت‌های خیریه و شرکت در انتخابات عمومی و کاندید ساختن خود و عضویت در مجالس نمایندگان و قانون‌گذاران و نیز بر عهده گرفتن پست وزارت و استانداری و دیگر پست‌های اجرایی و سیاسی را بی‌هیچ قید و شرط یا تبعیضی نسبت به مردان، دارد.

### عهده‌داری پست‌های حساس توسط زنان در کشورهای اسلامی

زنان بسیاری وجود دارند که خود را برای پست نخست‌وزیری در مصر کاندید کرده‌اند. از آن مهم‌تر این که در گذشته زانی بودند که پست نخست‌وزیری در برخی کشورهای اسلامی را بر عهده داشتند؛ برای نمونه ملکه‌ای به نام «اروی» حکومت بر یمن را بر عهده داشت و یا زنی به نام «شجره الدر» بر مصر حکم‌فرمایی می‌کرد و ...

حال که اسلام همهٔ حقوق زن را به وی اعطا کرده، وظیفهٔ اوست که به خوبی و شایستگی این حقوق را به کار گیرد و در مورد آنها زیاده‌روی نکند. کسانی نیز که علیه اسلام تبلیغ می‌کنند و حقوق زنان را بهانه‌ای برای حملات خود قرار داده‌اند باید در وهلهٔ نخست به طبیعت هر یک از زن و مرد توجه کنند و بدانند که زن و مرد، از یک‌دیگر جدایی ناپذیرند و هر کدام نقش و وظایفی در زندگی دارند که باید آن‌را به خوبی انجام دهند. طبیعت مرد به گونه‌ای است که نمی‌تواند حامله شود و فرزند تربیت کند، زیرا این کار تنها مربوط به زنان است. هم‌چنان که از زن نیز نمی‌توان بیش از توانش انتظار داشت.

### کار اصلی زن

البته زنان در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خلفای راشدین، به کار و جهاد هم می‌پرداختند ولی این مسئله یک اصل کلی در این مورد نیست. قاعده کلی، قرار گرفتن زن در خانه و استثنای بر این قاعده، بیرون رفتن از خانه به حکم ضرورت یا کار است؛ اگر جامعه نیازمند کار زن باشد یا زن خود به این کار نیاز داشته باشد، کار کردن او بدون اشکال است. آن‌چه اسلام با توجه به تکوین جسمی زن مقرر می‌نماید، همین امر است. و از آن بالاتر این که اسلام [به دلیل همین ویژگی‌های جسمی] او را از برخی تکلیف‌های

شرعی و عبادات معذور داشته است؛ زن در دوره حیض و نفاس، نماز و روزه ندارد و ملزم به قضای نمازها نیست هر چند باید روزه‌ها را اعاده کند و هیچ تکلیف مادی (پولی) بر عهده وی نیست و خویشان مرد او، مکلف به تأمین مخارج وی هستند.

هم‌چنان که شوهر مکلف به تأمین نفقه همسر خود بی‌توجه به دارایی‌های خصوصی اوست. زن مکلف به جهاد هم نیست مگر آن که خود داوطلبانه به این کار اقدام کند و یا جنگ، نیازمند خدمت او باشد. زن در اسلام از چنان مقام حقوق والایی برخوردار است که در هیچ کدام از تمدن‌های پیشین یا کنونی از آن برخوردار نبوده و نیست. اسلام در امور دینی و حقوق مدنی و سیاسی و فرهنگی و در همه امور زندگی، میان او و مرد، تساوی برقرار کرده است؛ او از حق تملک و حق اداره دارایی‌های خود و مشارکت در امور دولتی برخوردار است و می‌تواند به عنوان وزیر و قاضی و ... مشغول کار شود. به این ترتیب مشاهده می‌شود که شریعت جاودان الهی [اسلام] به زن و مرد به یک چشم نگاه می‌کند و آنها را از نفس واحدی آفریده و جسم هر کدام از آنها را به گونه‌ای در نظر گرفته که بتوانند نقش خود را به بهترین وجه، ایفا نمایند.

بنابراین انسان، برترین آفریده‌های الهی است که خداوند متعال او را برای عبادت خود و آبادانی زمین، آفریده است. انسان، از زن و مرد تشکیل شده است و تمدن به وجود آنها برپا می‌شود و زندگی ادامه پیدا می‌کند.

«الکسین کارل» می‌گوید: «انسان فراتر از هر شری در جهان است و اگر خود انحطاط پیدا کرد و فرو پاشید، دیری نمی‌پاید که زیبایی تمدن و حتی عظمت مادی دنیا متلاشی خواهد گشت.» (الانسان، کارل، ۱۹۴۸م، ص ۱۱).

### اسلام و مسئله برابری زن و مرد

خداوند عزوجل می‌فرماید: «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ \* يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِن سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُنسِقُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ» و چون یکی از ایشان را به دختر (دار شدن) نوید دهند، چهره‌اش از خشم سیاه می‌شود و او (ناگزیر) خشم خود را فرو می‌خورد \* از بدی خبری که به او داده‌اند، از قوم خود پنهان می‌گردد، آیا او را با احساس (خواری) نگه دارد یا (زنده) در خاک پنهان کند، همانا بد دآوری می‌کنند.» (نحل/ ۵۸ و ۵۹).

قرآن مجید، این کتاب بزرگ اسلام، وضع زن را در زمان جاهلیت، این‌گونه بیان می‌کند که او از بدو تولد، ننگ خانواده به شمار می‌رفت و اگر شانس زندگی پیدا می‌کرد، از همه حقوق محروم بود؛ نه ارثی می‌برد، نه حق امضای قراردادی را داشت و... زن، تنها کالایی بود که خانواده همسرش او را به ارث می‌برد.

اسلام راه زن را روشن ساخت و برای او جایگاه شایسته‌ای در خانواده و جامعه، در نظر گرفت، به پرورش و رشد و آموزش او توجه کرد و او را با مرد، برابر ساخت و در امور دینی و در برابر قانون و حقوق عمومی برابری کامل آنها را اعلام نمود.

خداوند متعال می‌فرماید: «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنثَىٰ بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ؛ آن‌گاه پروردگارشان به آنان پاسخ داد که من پاداش‌دهنده، هیچ کاری از شما را چه مرد و چه زن - که همانند یک‌دیگرید - تباه نمی‌گردانم...» (آل عمران / ۱۹۵) و نیز می‌فرماید: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا؛ مردان را از آن چه پدر و مادر و خویشاوندان بر جای می‌نهند بهره‌ای است و زنان را (نیز) از آن چه پدر و مادر و خویشاوندان بر جای می‌نهند، بهره‌ای است معین چه کم باشد چه زیاد». (نساء / ۷).

و می‌فرماید: «وَلَا تَمْتَرُوا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهٖ بَعْضُكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّا اللَّهُ كَانُ كُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا؛ و آن چه را خداوند برخی از شما را با آن بر برخی دیگر برتری داده است، آرزو نکنید؛ مردان را از آن چه برای خود به دست می‌آورند، بهره‌ای است و زنان را (هم) از آن چه برای خویش به کف می‌آورند، بهره‌ای است؛ و از بخشش خداوند درخواست کنید که خداوند به هر چیزی داناست». (نساء / ۳۲) و در جایی دیگر می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ به درستی که گرامی‌ترین شما نزد خداوند، پرهیزگارترین شماست، به راستی خداوند، دانایی آگاه است». (حجرات / ۱۳) و در این مورد زن و مرد با هم‌دیگر فرقی ندارند.

### سفارش پیامبر (ص) نسبت به مادر

اسلام به زن به عنوان مادر توجه جدی نموده و در این مورد او را بر مرد مقدم شمرده است. روایت شده که روزی، مردی به حضور پیامبر خدا ﷺ رسید و از آن حضرت پرسید: «چه کسی حق بیشتری بر من دارد؟ فرمود: مادرت. گفت: پس از او چه کسی؟ فرمود: مادرت. گفت: پس از او؟ فرمود: پدرت.»

در قرآن کریم آمده است: «وَوَصَّيْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبُّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ؛ و به آدمی سپرده‌ایم به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را به دشواری آستن بوده و به دشواری زاده است - و بارداری و از شیرگرفتنش سی ماه است تا چون به رشد کامل رسد و چهل ساله شود، بگوید: پروردگارا در دلم افکن تا نعمتی را که به من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای، سپاس گویم و کار شایسته‌ای کنم که تو می‌پسندی و برای من، در دودمان من شایستگی قرار ده که من به سوی تو بازگشتم‌ام و من از فرمانبردارانم.» (احقاف / ۱۵).

به این ترتیب روشن می‌شود که اسلام، از نظر ارزش انسانی، میان مرد و زن تفاوتی قایل نیست.



## کار در عرصه‌های مناسب

اسلام به زن اجازه داده که با حفظ وقار و شأن خود، به محیط کار درآید؛ زن نیز باید همه بخش‌های تن خود به جز صورت و دو دست خود را - که در این باره میان فقها اختلاف نظر است (مذهب «ابوحنفیه» و «شافعی» و قولی از «احمد» چنین است ولی «مالک» و ظاهر مذهب «احمد» بر آن است که هرچیز زن، عورت است حتی ناخن‌های او که باید پوشانده شود، از این رو از نظر ایشان، باید صورت و دستان زن نیز پوشانده شود؛ ر.ک: حجاب العراه و لباسها فی الصلاه، شیخ الاسلام ابن تیمیه) - بپوشاند.

زن باید در آن عرصه‌ای که مناسب اوست کار کند و کار او نباید زیان جسمی یا اجتماعی یا اندامی به وی وارد آورد و علاوه بر آن کار وی در بیرون منزل نباید منافاتی با وظایف خانه‌داری و همسررداری و فرزندداری او و نیز با اوضاع وی در خانواده و جامعه داشته باشد. اسلام به زن اجازه می‌دهد همه مقام‌های عمومی - و نه ولایت‌های عام - را عهده‌دار گردد و شخصیت کامل مدنی او و شایستگی‌اش در برعهده گرفتن تعهدات و عقد قراردادهای خرید و فروش و بخشش و جز آن را به وی می‌دهد. بنابراین شخصیت زن جدای از شخصیت مرد و متمایز از آن است خواه این مرد پدر، برادر یا همسر او باشد. زن می‌تواند از دسترنج کار تجاری یا عمومی خود، درآمد داشته باشد. (حقوق الانسان فی الاسلام، پیشین). خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا تَتَّمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللّٰهُ بِهٖ بَغْضَکُمْ عَلٰی بَعْضِ الرَّجَالِ نَصِیْبٌ مِّمَّا اَکْتَسَبُوْا وَلِلنِّسَاءِ نَصِیْبٌ مِّمَّا اَکْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوْا اللّٰهَ مِنْ فَضْلِهٖ اِنَّ اللّٰهَ کَانَ یَکُلُّ شَیْءٍ عَلِیْمًا؛ و آن‌چه را خداوند برخی از شما را با آن بر برخی دیگر برتری داده است، آرزو نکنید؛ مردان را از آن‌چه برای خود به دست می‌آورند، بهره‌ای است و زنان را [هم] از آن‌چه برای خویش به کف می‌آورند، بهره‌ای؛ و از بخشش خداوند درخواست کنید که خداوند به هرچیزی داناست.» (نساء/۳۲).

## جنبه‌های برتری زن

برخی جنبه‌های برتری زن بر مرد وجود دارد که باعث می‌شود بر شأن و منزلت وی افزوده شود و این برخلاف ادعاهای دشمنان اسلام مبنی بر پایین‌تر بودن شأن وی از مرد است؛ زن در بسیاری موارد، از مرد هم بالاتر و برتر است.

### ۱- مورد خواستگاری قرار گرفتن

این مرد است که به سوی زن می‌رود و از وی خواستگاری می‌کند و نه آن‌گونه که در غرب و کشورهای غیراسلامی متداول است که زن از مرد خواستگاری می‌کند و خانواده مبالغ زیادی به مرد می‌پردازد تا با دخترشان ازدواج نماید. اخیراً در روزنامه‌ها آمده بود که برخی اولیای دختران در یکی از کشورهای غیراسلامی مبالغی را به برخی جوانان پسر پرداخت کردند تا با دخترانشان ازدواج کنند ولی پسران مبالغ را گرفتند و فرار کردند.

اسلام زن را در وضعیت متمایزی قرار می‌دهد به گونه‌ای که خواستگار به سراغ وی می‌رود و او بدون هیچ فشار یا اجباری از سوی خانواده، به‌گزینهش می‌پردازد. مردی که اقدام به خواستگاری از دختری می‌کند تا با او ازدواج نماید و نفقه او را تأمین کند، هدایایی به او تقدیم می‌کند تا رضایتش را جلب کند و در طول زندگی زناشویی نیز همواره سعی می‌کند او را برای خود نگه دارد و می‌کوشد با بذل مال، او را مورد توجه و عنایت خویش قرار دهد.

۲- بقای پیوندهای زن با خانواده خویش و ارث‌بری از آنها

زن پس از ازدواج همچنان وابسته به خانواده‌اش باقی می‌ماند و برخلاف آن‌چه در غرب متداول است نام و نام خانوادگی خود را از دست نمی‌دهد و پیوندش با خانواده و رابطه ارثی‌اش با آنها باقی می‌ماند.

۳- درنظر گرفتن مهریه به عنوان هدیه‌ای از سوی همسر

مهریه حق ویژه زن است و هرگونه که بخواهد می‌تواند در آن دخل و تصرف کند. هیچ بار مالی در ازدواج بر دوش او نیست. درباره «مهریه» در قرآن کریم آمده است: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِن طِبِنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوْهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا» و کابین زنان را با خشتودی به آنان بپردازید و اگر با خوش‌دلی چیزی از آن‌ها به شما بخشیدند، نوش و گوارا بخورید.» (نساء/۴).

۴- شایستگی مردی که به خواستگاری زن می‌رود

فقها برای مردی که به خواستگاری از زن اقدام می‌کند شرط می‌کنند که به لحاظ نسب و دین و مال و ... با وی هم‌سنگ باشد و بر اساس برخی مذاهب فقهی، اگر دختری خود را به ازدواج مرد ناشایستی درآورد، ولی او می‌تواند این عقد را فسخ کند. این شرط به سود زن در نظر گرفته شده تا به ازدواج با کسی که چه بسا با وی بدرفتاری خواهد کرد یا به خانواده‌اش زیان خواهد رساند یا بر اثر بی‌دینی یا اخلاق بد، کرامتش را تهدید خواهد کرد، اقدام ننماید.

۵- سن بلوغ

فقها، سن بلوغ دختر را - اگر بلوغ سنی را در نظر بگیریم - حدود سه یا چهار سال کمتر از مرد در نظر گرفته‌اند. همچنین اگر نشانه‌های طبیعی را ملاک قرار دهیم، به نظر علمای شرع، دختر پیش از پسر، بالغ می‌شود و به این ترتیب پیش از مرد به حقوق خود دست پیدا می‌کند؛ حقوقی هم‌چون:  
الف: اداره امور مالی خود و دریافت اموال از ولی یا وصی و مدیریت شخصی آنها؛  
ب: حق اعمال حقوق سیاسی؛  
ج: حق انتخاب همسر یا ازدواج، بنا به نظر کسانی که به این رأی قایل هستند.

بنابراین، موضوع برابری زن و مرد در سن بلوغ، به منافع زن زیان می‌رساند و بهره‌گیری از حقوق پیش‌گفته او را به تأخیر می‌اندازد.

#### ۶- برتری شهادت زن بر شهادت مرد در برخی موارد

شهادت زن به تنهایی و بدون ضمیمه شدن به شهادت مرد در مواردی که جز زنان در جریان آن قرار نمی‌گیرند، از جمله اثبات باکره بودن یا نبودن، اثبات تحقیق آمیزش جنسی، اثبات تولد نوزاد و اثبات زنده یا مرده بودن نوزاد، اثبات شیردهی، شهادت در خصوص مسابلی چون ضرب و جرح و آسیب‌هایی که در نشست‌های خاص زنان صورت می‌گیرد و دیگر مواردی که جز زنان کسی شاهد آنها نیست، پذیرفته می‌شود.

این نوع شهادت‌ها، پیامدهای مهمی دارد که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- در حالت زوال بکارت زن، تنها زن می‌تواند شهادت دهد؛ این زوال ممکن است ناشی از ارتکاب جنایت زنا باشد. می‌دانیم که حدّ زنا تنها با شهادت چهار مرد ثابت می‌شود ولی در این مورد، شهادت زن پذیرفته می‌شود و اگر در جاهای دیگری، شهادت دو زن برابر با شهادت یک مرد است، در این‌جا شهادت وی به تنهایی برابر با شهادت چهارمرد است.

۲- تحقق زایمان، که مادر بودن یا نبودن زن ثابت می‌شود و اگر نوزاد زنده باشد مستحق ارث و همه حقوق مالی و غیرمالی می‌گردد، با شهادت دو زن اثبات می‌شود.

۳- گاه نیز پادشاهی یا ولایت عهدی نوزادی در کشورهای پادشاهی، با این شهادت به اثبات می‌رسد.

۴- در موضوع شیردهی نیز تنها شهادت زنان پذیرفته می‌شود؛ این شهادت از چنان اهمیتی برخوردار است که محرمی شیرخوار و شیرده را به دنبال دارد و شیرخوار فرزند رضاعی آن زن می‌گردد.

#### ۷- نفقه زن

نفقه و هزینه‌های جاری زن بر عهده مرد است حتی اگر زن ثروتمند باشد، ولی پیش از ازدواج نفقه او بر عهده خودش (در صورت ثروتمند بودن) و بر عهده مردان خاندانش (در صورت عدم توانایی مالی) است. او ملزم به کسب درآمد یا انجام کار در خارج از خانه نیست. اسلام از او حمایت و پاسداری کرده است و ولی اگر داوطلبانه خواهان کارکردن باشد یا شرایط، او را برای کار و کسب به بیرون از خانه‌اش بکشاند، مانعی بر سر راهش نیست و کسی او را وادار به انجام آن نکرده است.

#### ۸- استقلال مالی

او بی‌هیچ وصایت و سرپرستی از سوی کسی، می‌تواند در اموال خود دخل و تصرف کند. انسان اهلیت و شایستگی انجام کارهای خود را در همه دوره‌های زندگی دارد و شرع اسلام آن را برای زن و مرد بی‌هیچ تبعیضی مقرر داشته است.

خداوند متعال می‌فرماید: «لِرَجَالٍ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا؛ مردان را از آنچه برای خود به دست می‌آورند، بهره‌ای و زنان را هم از آنچه برای خویش به کف می‌آورند، بهره‌ای است.» (نساء/۳۲).

## ۹- حق ازدواج

زن بنا به مذهب «امام ابوحنیفه» می‌تواند خود ازدواج کند. «موصلی» می‌گوید: «عبارت زنان در نکاح معتبر است حتی اگر زن آزاد و عاقلی خود را ازدواج دهد و نیز اگر دیگری را به وکالت یا ولایت، ازدواج دهد و نیز اگر دیگری را برای ازدواج خود وکالت دهد یا دیگری او را ازدواج دهد و او بپذیرد. در مورد دختر باکره بالغه برای ازدواج، اجباری وجود ندارد.» (المختار للمفتی، ج ۳، ص ۹۰-۹۲).

## ۱۰- حق شرط‌گذاری

زن حق دارد در عقد ازدواج، شرط‌هایی را در نظر گیرد که حقوق وی را حفظ کند، از جمله حق طلاق دادن خود یا حق بیرون رفتن از منزل برای کار و موارد دیگری در حدود آنچه شریعت اسلام پذیرفته است.

## ۱۱- خطاب قرآن به زن

اسلام زن را با لحن محبت‌آمیز، مهربانانه و همراه با اعتماد به مخاطب و به صیغه خبری دلالت‌کننده بر درخواست، مورد خطاب قرار داده است، مانند: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْتَمِ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ و مادران فرزندان خود را دو سال کامل شیر می‌دهند، این برای کسی است که بخواهد دوران شیردهی را کامل کند و خوراک و پوشاک آنان به شایستگی بر صاحب فرزند است.» (بقره/۲۳۳) «وَالسُّطَّلَاتُ يَرْبِضْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ؛ و زنان طلاق داده باید تا سر پاکی (از حیض) انتظار کنند و ...» (بقره/۲۲۸).

خداوند عزوجل برخلاف خطاب به مردان، زنان را با صیغه امر مورد خطاب قرار نمی‌دهد. صیغه امر، بیان‌گر شدت و قاطعیت است، حال آن که صیغه خبری، بیان‌گر درخواست و متناسب با لطافت و شدت حساسیت زن است. («جوانب تفصیلیه للمرأة فی الشریعة الاسلامیه»، دکتر محمد محروس المدرسی الاعظمی، مجله الاحمدیه شماره ۱۶، محرم ۱۴۲۵ق، ص ۱۴۳-۱۶۲).

## ۱۲- اختصاص سوره‌هایی از قرآن به نام زنان

از جمله مهم‌ترین جنبه‌های برتری زنان، نازل شدن سوره‌ای در قرآن کریم به نام سوره النساء (زنان) شامل احکام مربوط به زنان و نیز سوره مریم است (المراه فی الاسلام)، قضایا نسائیه معاصره و موقف الاسلام فیها، ص ۱۴۹ و ۱۵۳ به بعد) که این هم از بخشش‌های پروردگار متعال است که آن را ویژه زنان قرار داده

است: «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ؛ این بخشش خداوند است به هر که خواهد می‌بخشد و خداوند دارای بخشش سترگ است.» (جمعه/۴).

### حقوق غیرمسلمانان در جامعه اسلامی

اسلام به غیرمسلمانان اجازه داده تا در کنف حمایت دولت اسلامی زندگی کنند و خوراکی‌ها و پوشاک‌هایی را که دینشان مباح دانسته برای آنان مباح ساخته و توصیه به خوش رفتاری با آنها و عدم تجاوز به حقوقشان کرده و به آنها آزادی عبادت و پاسداری از عبادتگاه‌های ویژه آنها و عدم تعدی به آنها را ارزانی داشته است. تاریخ اسلام حوادث فراوانی در این راستا ثبت کرده که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

فاتحان مسلمان از عبادتگاه‌های یهودی و مسیحی در فلسطین و مصر و شام، پاسداری کردند. «عمر بن خطاب» زیر بار نماز خواندن در کنیسه «قیامت» در بیت المقدس نرفت تا مبادا پس از وی کسانی آن را بهانه‌ای برای تجاوز خویش به کنیسه یا غضب آن، قرار دهند. فاتحان اسلامی، مردم سرزمین‌های فتح شده را وادار به پذیرش اسلام نکردند و آنان را در گزینش عقیده و دین خود آزاد گذاشتند: «فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَن شَاءَ فَلْيُكْفُرْ؛ ... هر که خواهد ایمان آورد و هر که خواهد کفر پیشه کند.» (کهف/۲۹).

خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ ای مردم! ما شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را گروه‌ها و قبیله‌ها کردیم تا یکدیگر را بازشناسید؛ بی‌گمان گرمی‌ترین شما نزد خداوند پرهیزکارترین شماست، به راستی خداوند دانایی آگاه است.» (حجرات/۱۳).

و همو، فرمان به خوش رفتاری با آنان داده است: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ؛ خداوند شما را از نیکی ورزیدن و دادگری با آنان که با شما در کار دین جنگ نکرده‌اند و شما را از خانه‌هایتان بیرون نرانده‌اند، باز نمی‌دارد. بی‌گمان خداوند دادگران را دوست می‌دارد.» (ممتحنه/۸). هم‌چنین خوراکی‌های اهل کتاب و ازدواج با زنان آنان را بر مسلمانان، حلال ساخته است: «الْيَوْمَ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَن يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ امروز چیزهای پاکیزه بر شما حلال است و غذای اهل کتاب برای شما حلال است و غذای شما بر آنان حلال است و نیز ازدواج با زنان پاکدامن از زنان مؤمن مسلمان و زنان پاکدامن از آنان که پیش از شما به آنان کتاب آسمانی داده‌اند، اگر کابینشان را پرداخته و پاکدامن باشید نه پلیدکار و گیرندگان دوست پنهان (بر شما حلال است)؛ هر کس گرویدن به اسلام را نپذیرد کردارش تباه می‌شود و او در جهان واپسین از زیانکاران است.» (مائده/۵).

و فرمان داده که به بهترین شکل با ایشان مجادله شود و با سخنان نیکو، قانع شوند و به دین اسلام فراخوانده شوند و آنان را آزاد گذاشته تا دینی را که مایل‌اند بی‌هیچ ارباب و اجبار و ترسی بپذیرند، زیرا ایمان باید با اقتناع و پذیرش قلبی باشد: «وَمَا تَجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ؛ و با اهل کتاب جز به بهترین شیوه، چالش مکنید مگر با ستم‌کاران از ایشان و بگویید: ما به آن چه بر ما و شما فرو فرستاده‌اند، ایمان آورده‌ایم و خدای ما و خدای شما یکی است و ما فرمان‌پذیر اویسیم.» (عنکبوت/۴۶).

و نیز می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ؛ بگو ای اهل کتاب! بیایید بر کلمه‌ای که میان ما و شما برابر است هم داستان شویم که جز خداوند را نپرستیم و چیزی را شریک او ندانیم و برخی از ما، برخی دیگر را به جای خداوند به خدایی نگیرد، پس اگر روی گردانند بگویید: گواه باشید که ما مسلمانیم.» (آل عمران/۶۴).

**حقوق غیرنظامیان و اسرای جنگی در درگیری‌های مسلحانه**

در روابط بین‌المللی در اسلام، اصل آن است که جامعه در صلح زندگی کند. جنگ حالتی استثنایی و فوق‌العاده است و اسلام قواعد و اصول معینی را برای برخورد با غیرنظامیان و اسیران جنگی (در شرایط جنگ) در نظر گرفته که برخی در قرآن و برخی نیز در سنت شریف نبوی، مطرح شده است.

خداوند متعال می‌فرماید: «قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لاتعتدوا؛ در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند بجنگید و تجاوز نکنید؛» یعنی این که جنگ، میان سربازان و لشکریان جنگی است و شامل غیرنظامیان و دیگران نمی‌شود.

پیامبر اکرم ﷺ نیز سفارش مهمی درباره عدم تعدی به غیرنظامیان و غیرجنگ‌جویان کرده و آنان را از تخریب و ویران‌گری نهی فرموده است.

آن حضرت ﷺ وقتی «معاذ بن جبل» را به یمن اعزام کرد، به وی فرمود: «با آنان نجنگید مگر آن که قبلاً آنان را [به اسلام] فراخوانده باشید و هرگاه خودداری کردند، با آنان نجنگید تا خود شروع کرده باشند و وقتی شروع کردند با آنان نجنگید تا کسی را از شما بکشند، سپس کشته را به ایشان نشان دهید و بگویید: آیا راهی از این بهتر هم هست؟ اگر خداوند یک نفر را به دست تو هدایت کند از هر آن چه خورشید بر آن تابید و غروب کرده، بهتر است.»

و در سفارش دیگری می‌فرماید: «به نام خدا با توکل بر خدا و به برکت رسول خدا، حرکت کنید، هیچ سالخورده و کودک و زنی را مکشید، زیاده‌روی نکنید. به دنبال صلح باشید و نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.»

و در سفارشی به «خالد بن ولید» می‌فرماید: «کودکان را مکش، ره گم کرده‌ها را نیز مکش» آن حضرت هم‌چنین می‌فرماید: «زیاده‌روی نکنید، خیانت مکنید، مثله نکنید و نوزادان را مکشید.»

جانشینان پیامبر ﷺ نیز طبق همان سیاستی عمل کردند که او در برخورد با غیرنظامیان در پیش گرفته بود.

«ابوبکر» به «خالد بن ولید» نوشت: «بدان که چشمانی از سوی خدا تو را می‌بینند و هوایت را دارند، وقتی دشمن را دیدی، به دنبال مرگ باش تا سلامت به تو هدیه شود و شهدا را با خونشان غسل مده زیرا خون شهید، در روز قیامت برای او نور است.»

و در سفارش دیگری به یکی از فرماندهان خود می‌گوید: «گروهی را خواهی یافت که خود را در صومعه‌ها زندانی کرده‌اند، آنها را به حال خود واگذار. همچنین گروهی را می‌بینی که موی میان سر خود را باقی گذاشته و آن‌را بافته‌اند. موهای بافته آنها را با شمشیر بزن ... من ده سفارش به تو می‌کنم: زنان و کودکان و سالخورده‌گان را مکش، درختان میوه‌دار و نخل‌ها را قطع مکن و آتش مزن، هیچ آبادی را ویران مکن، هیچ گوسفند و گاوی را سر مبر مگر برای خوردن گوشت آن ...» (حدیث را «احمد» روایت کرده است.)

«عمر بن خطاب» نیز سفارش‌های مشابهی دارد.

از توصیه‌های رسول خدا ﷺ و خلفای راشدین می‌توان اصول مربوط به برخورد با غیرنظامیان و غیررزمندگان [در جنگ] را به شرح زیر، نتیجه‌گیری نمود:

۱- کشتن کسانی که نمی‌جنگند و در جنگ شرکت ندارند روا نیست؛ جنگ باید محدود به صحنه نبرد باشد و از آن فراتر نرود و به آزادی‌های دینی تجاوز نشود؛

۲- کشتن افرادی که مشغول عبادت در عبادتگاه‌های خود هستند، روا نیست ولی کشتن کسانی که در جنگ شرکت دارند، جایز است؛

۳- کشتن کودکان و زنان و سالخورده‌گان جایز نیست. به پیامبر اکرم ﷺ خبر دادند که سربازانش کودکانی را کشته‌اند، آن حضرت ﷺ آنان را گرد آورد و طی سخنانی خطاب به آنها فرمود: «چه برسر قومی که کودکان را نیز می‌کشند می‌آید، کودکان را مکشید، آنها را مکشید، آنها را مکشید.» ولی قتل سالخورده‌گانی که جنگ می‌کنند یا در جبهه‌ها کمک می‌کنند، اشکالی ندارد؛

۴- قتل کارگران نیز جایز نیست مشروط بر آن که در جنگ شرکت نکرده و برای جنگ نقشه نکشیده باشد و تنها به کارشان بپردازند؛

۵ - در صورتی که ضرورت جنگی وجود نداشته باشد، نباید جایی را ویران ساخت و اگر ضرورت جنگی مطرح شد، مثلاً دشمن از جایی به عنوان سنگر یا پناهگاه استفاده کرد، تخریب آن جایز است؛

۶- شکنجه مجروحان یا کشتن آنها در صورتی که توان دفاع از خود را نداشته باشند، جایز نیست. آنها را باید درمان کرد تا زخمشان بهبود یابد و سپس به اسارت گرفته شوند؛

۷- جنگ با کسانی که اسلحه خود را بر زمین می‌گذارند یا از صحنه نبرد فرار می‌کنند، جایز نیست. (الجهاد فی الاسلام، ۱۴۰۱، ص ۲۱۰ و ۲۱۱).

آموزه‌های اسلام در برخورد با غیرنظامیان و کسانی که در جنگ شرکت ندارند، چنین است. و در مورد برخورد با اسیران، اسلام برای آنان حقوقی چون حق غذا و مراقبت، قایل شده است. خداوند می‌فرماید:

«وَيَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا»؛ إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لِرِجَالِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا؛ و خوراک را در عین دوست داشتنش، به یتیم و اسیر می دهند \* [یا خود می گویند] شما را تنها برای خشنودی خدا خوراک می دهیم نه پاداشی از شما می خواهیم و نه سپاسی. (انسان/ ۸ و ۹).

بنابراین اسلام با آنها برخورد انسانی می کند و آنان را تا پایان جنگ نگه می دارد تا در صفوف دشمن، به جنگ بازنگردند و سپس یا بر ایشان منت می نهد و آنها را عفو می کند یا برای آزادی، از آنها فدیة می گیرد. اسلام به پاسداشت کرامت انسان و عدم اهانت یا خواری او فرامی خواند خواه این انسان مسلمان باشد یا غیرمسلمان. در اسلام در برخورد با مردم، جنگ و صلح هم تفاوت نمی کند، از این رو با اسیر نیز مهربان و در برخورد با او بزرگواری است. قرآن کریم، انفاق بر اسیر و اطعام او و یاری رساندن به او را توصیه می کند؛ مسلمانان صدر اسلام حتی اسیران را بر خود نیز ترجیح می دادند و بهترین خوراکی خود را به آنها می دادند و برخورد خوبی با آنها داشتند.

اسلام، از قتل اسیران یا انتقام از ایشان یا شکنجه آنها نهی فرموده است. آنها تا زمانی که جنگ به پایان رسد باید نگاهداری شوند. در این حالت ولی امر می تواند با آنها به دو شکل برخورد نماید:

### ۱- عفو و بخشش

یعنی آزاد کردن بدون شرط اسیر در صورتی که مصلحت عمومی ایجاب کند یا او مالی برای دادن فدیة نداشته باشد. از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده که وقتی مصلحت مسلمانان ایجاب کرد، یکی از اسیران را آزاد کرد. «ابوهریره» می گوید: گروهی از مسلمانان، «تمامه بن اثال» از بزرگان «یمامه» را در راه «نجد» به اسارت گرفتند و او را به «مدینه» آوردند. پیامبر اکرم ﷺ پرسید: ای «تمامه»! چه داری؟ گفت: من خیر دارم. اگر بخشی، جاندار را کشته ای و اگر ببخشی، بر سپاس گذاری بخشیده ای و اگر پول می خواهی بخواه هرچقدر می خواهی به تو می دهیم. پیامبر ﷺ رهایش کرد و فردای آن روز دستور داد بدون فدیة آزادش سازند، او نیز به سمت آبادی خود رفت ولی در نزدیکی مدینه، تحت تأثیر این کرده پیامبر قرار گرفت و غسل کرد و به مسجد بازگشت و پیامبر ﷺ را در مسجد یافت. شهادتین گفت و به «یمامه» بازگشت؛ در آن زمان اهل مکه گندم را از «یمامه» می خریدند و او سوگند یاد کرد که تنها با اجازه رسول اکرم ﷺ به آنان گندم بفروشد؛ اهالی مکه نیز طی نامه ای به پیامبر ﷺ از وی خواستند با ادامه تجارت میان آنها و مردم «یمامه» موافقت نماید و اجازه فروش گندم از سوی یمامه به ایشان را بدهد. پیامبر ﷺ نیز به «تمامه» نوشت که این کار را انجام دهد. هم چنان که آن حضرت ﷺ پس از فتح مکه به وسیله مسلمانان، بر اهل مکه منت نهاد و گفته مشهور خود را بر زبان آورد که: «امروز شما را سرزنش نمی کنم؛ خدا شما را بیمارزد؛ بروید که همه شما آزادید».

### ۲- فدیة گرفتن

فدیة به صورت تعویض اسیران جنگی با اسرای خودی یا پرداخت فدیة از سوی اسیر برای آزاد شدن است که پیامبر اکرم ﷺ فدیة اسرای مشرکان را در یکی از غزوه ها، آموزش خواندن و نوشتن به ده نفر



از مسلمانان قرار داد. اسلام، به بردگی گرفتن اسرا را رد می‌کند و تنها معامله به مثل را با آنان می‌پذیرد؛ یعنی اگر دشمن اسرای مسلمان را به بیگاری کشید، مسلمانان نیز اجازه دارند اسرای دشمن را به بیگاری بگیرند. آن حضرت هرگز آزاده‌ای را به بردگی نکشید و حتی تمام بردگان زمان جاهلیت خود را آزاد کرد، هم‌چنان که همهٔ بردگانی را نیز که به وی هدیه می‌کردند، آزاد می‌کرد ولی در مورد برده جنگی، معامله به مثل می‌فرمود.

قرآن کریم نیز بردگی را نه تحمیل کرد و نه نهی کرد و در مورد آن سکوت اختیار کرد. پیامبر اکرم ﷺ نیز بیگاری کشیدن و بردگی اسرای جنگی را مقرر نداشت ولی مانع از آن هم نشد، از این روست که خلفای راشدین و برخی حکام مسلمانان پس از ایشان، اسرا را به بردگی گرفتند که جنبهٔ مقابله به مثل داشت؛ وقتی مشرکان اسرای مسلمانان را به بردگی گرفتند، مسلمانان نیز معامله به مثل کردند. موضع اسلام نسبت به اسرا چنین است؛ با آنان برخورد انسانی و مهرورزانه‌ای دارد، شکنجه‌شان نمی‌کند، آنها را نمی‌کشد و به بردگی نمی‌گیرد و ضعفا و ناتوانان آنها را عفو می‌کند و از توانمندانشان «فدیه» می‌گیرد. (الجهاد فی الاسلام، ۱۴۰۱، ص ۱۷۶ و ۱۷۷).

### حقوق انسان در جامعهٔ معاصر

موضوع حقوق انسان در جامعه معاصر اهمیت زیادی دارد و تلاش می‌شود ضمانت‌هایی در راستای برخورداری انسان از حقوق و آزادی‌های اساسی او فراهم گردد. کشورها نیز می‌کوشند فرهنگ حقوق انسان و مسایل معاصر وی را تثبیت کنند و مانع از تجاوز به این حقوق شوند ولی هم‌چنان که توضیح داده شد، اسلام در این مورد، پیشتاز بود و جامعه بشری، هنوز هم به آن چه که اسلام در پانزده قرن گذشته بدان رسید و آن را تثبیت کرد، نرسیده است. در این زمان کشورهای اسلامی می‌کوشند این حقوق را مطرح نموده و اصول مقرر در اسلام را گسترش دهند تا مردم در سرتاسر دنیا بدانند که اسلام چه حقی بر گردن همهٔ بشریت دارد.

### سازمان کنفرانس اسلامی و منشور حقوق بشر

کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی طی بیانیه‌ای در تاریخ ۱۹۸۱/۹/۱۹، منشور حقوق بشر اسلامی را صادر کردند. در دیباچهٔ این بیانیه آمده است: اسلام از چهارده قرن پیش، حقوق بشر جامع و عمیقی را تشریح کرد و ضمانت‌های کافی برای حمایت از آن مطرح ساخت و جامعه‌ای بر اصول و شالوده‌هایی پی نهاد که بتواند این حقوق را تحقق بخشد و مورد حمایت قرار دهد. لذا حقوق بشری که در شریعت اسلام آمده، در قرآن کریم و سنت شریف نبوی تدوین شده و قابل حذف و کم و کاست و تعدیل و نسخ و تعطیل نیست و پذیرش این حقوق، پیش‌درآمد درست برقراری جامعهٔ اسلامی حقیقی، جامعه‌ای که همهٔ مردم در آن برابند و امتیازی و تبعیضی بر پایه

نژاد، رنگ، زبان و دین و ... در آن نیست و همه در آن برابرند و از حقوق و تکالیف یکسانی که از وحدت اصل مشترک بشری برخاسته است، برخوردارند. (ر.ک: بیانیه صادره از سوی «سازمان کنفرانس اسلامی» درباره «منشور حقوق بشر در اسلام» شماره ۸۴/۴/۱۵ pol. مؤرخه ۱۹۸۱/۹/۱۹).

در این بیانیه همه کشورهای اسلامی عضو در «سازمان کنفرانس اسلامی» با استناد به قرآن کریم و سنت شریف نبوی، تأکید می‌کنند که همه مردم در ارزش‌های انسانی مشترک بوده و به اعتبار این که از یک ریشه هستند یکسان و برابرند و در زندگی عمومی و حقوق و وظایفی که شریعت اسلامی برای زنان و مردان در نظر گرفته و در راستای عمل به گفته رسول اکرم ﷺ و آیات زیر، برابرند و تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ و مردان و زنان مؤمن، دوستان یک‌دیگرند که به کار شایسته فرمان می‌دهند و از کار زشت بازمی‌دارند و نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌پردازند و از خداوند و پیامبرش فرمان می‌برند، آنها هستند که خداوند به زودی به آنان بخشایش می‌کند، به راستی خداوند پیروزمندی فرزانه است.» (توبه/۷۱) و «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّمَّنْ ذَكَرَ أَنَّي بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ: آن‌گاه پروردگارشان به آنان پاسخ داد من پاداش انجام دهنده هیچ کاری را از شما چه مرد و چه زن - که همانند یک‌دیگرید - تباه نمی‌گردانم.» (آل عمران/۱۹۵).

### برنامه پیشنهادی برای اجرای حقوق بشر در جهان معاصر

- ۱- گسترش فرهنگ و فلسفه حقوق بشر در سطح جهان از راه تألیف کتاب و انتشار مقالات و تحقیقات در مطبوعات دوره‌ای کشورهای بیگانه به زبان‌های گوناگون؛
- ۲- در نظر گرفتن «درس حقوق بشر» در برنامه‌های درسی مدارس و دانشگاه‌ها و مطالعه مقایسه‌ای «اعلامیه جهانی حقوق بشر» و میثاق‌ها و معاهده‌های بین‌المللی مربوط به این موضوع برای بیان پیشتازی اسلام در تقریر این حقوق و اصول؛
- ۳- تأکید بر حقوق زنان، زیرا اندیشه غربی و اندیشه‌های دشمنان، آن‌را به عنوان بهانه‌ای برای حمله علیه اسلام در نظر می‌گیرند؛
- ۴- کوشش برای این که حقوق زنان در رأس لیست حقوقی قرار گیرد که باید در جوامع اسلامی تثبیت و اجرا شود و ایجاد فرصت برای زنان جهت مشارکت فعال در بنای جامعه؛
- ۵- تأکید بر این که قوانین اساسی کشورهای اسلامی، حقوق انسان مقرر در شریعت اسلام را با استناد به آن چه در کتاب خداوند عزوجل و سنت شریف پیامبر اکرم ﷺ آمده است، مورد پذیرش و استناد قرار دهند؛
- ۶- ضرورت مقید ساختن قوانین و لوایح و نظام‌نامه‌ها به اجرای شریعت اسلام؛

۷- تلاش جهت برگزاری میزگردها، سخنرانی‌ها و کنفرانس‌هایی برای گسترش اندیشه و فرهنگ حقوق بشر در سطح ملی و جهانی، زیرا همه طبقات امت اسلامی نیازمند شناخت این حقوق هستند و بار اصلی اجرا و تحقق آنها بر دوش ایشان است؛

۸- پاسخ به شبهاتی که هر از گاهی پیرامون اسلام به طور کلی و در مورد حقوق بشر به طور خاص مطرح می‌شود و ردّ شبهات و اباطیلی که دشمنان اسلام اشاعه می‌دهند؛

۹- تأسیس مؤسسه یا سازمان یا هیئتی با شخصیت حقوقی مستقل در هر کشور و بدون وابستگی به طرف‌های اجرایی یا قانون‌گذاری که اعضای آن با انتخاب عمومی و مستقیم مردم برگزیده شوند و از مصونیت برخوردار باشند و کسی نتواند آنها را عزل کند یا در معرض هرگونه فشار و تنگنایی قرار دهد و هیچ‌کس در هر مقام و پستی حق دخالت در فعالیت‌های این نهاد را نداشته باشد. وظیفه این هیئت یا نهاد، مراقبت و کنترل اجرای حقوق بشر و ثبت هرگونه مخالفت یا تجاوزی از سوی مراجع حکومتی یا افراد یا مقامات دولتی و نیز ارایه گزارش‌های دوره‌ای به رئیس دولت برای برخورد مناسب با آن می‌باشد. این هیئت و رییس دولت می‌توانند در صورتی که جرم ارتكابی سزاوار مجازات باشد، هرگونه مخالفت یا تجاوزی را به قوه قضاییه گزارش و ابلاغ نمایند؛

۱۰- تأسیس هیئت مشابهی در «سازمان کنفرانس اسلامی» برای کنترل و نظارت بر اجرای حقوق بشر در کشورهای عضو. هر کشور، دارای یک عضو در این نهاد یا هیئت است که از میان اعضای هیئت یا نهاد مربوطه همان کشور انتخاب می‌شود. این هیئت اقدام به ثبت مخالفت‌ها یا تجاوزات به حقوق بشر می‌کند و گزارش‌های مربوطه را برای تصمیم‌گیری در مورد آنها، به رئیس هر کشوری ارسال می‌نماید. این هیئت گزارشی از همه کشورهای عضو تهیه و آن را در نشست‌های دوره‌ای سران و پادشاهان و رؤسای کشورهای عضو «سازمان کنفرانس اسلامی»، عرضه می‌کند تا آنها تصمیم‌های لازم را اتخاذ نمایند.

### منابع و مأخذ:

۱. قرآن کریم.
۲. اصل انسان و سقوط نظریه دارون.
۳. بیانیه صادره از سوی «سازمان کنفرانس اسلامی» درباره «منصور حقوق بشر در اسلام» شماره ۸۴/۴/۱۵ pol. مورخ ۱۹۸۱/۹/۱۹ م.
۴. خطبة رسول اکرم ﷺ در حجة الوداع.
۵. خفاجی، امنیه، داروین بین انسانیت حیوان و حیوانیت انسان.
۶. سباعی، اشتراکیه الاسلام.
۷. شیخ الاسلام ابن تیمیة، حجاب المرأة و لباسها فی الصلاة.
۸. کارل، کسپس، الانسان ذلك المجهول، مكتبة المعارف، بیروت، چاپ سوم ۱۹۴۸ م.
۹. مجله «منبر الاسلام» شماره ششم، جمادی الاخر ۱۴۲۶ هـ. «الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم».

١٠. المختار للفتوى، ج سوم.
١١. المدرسى الاعظمى، محمد محروس، جوانب تفصيلية للمرأة فى الشريعة الاسلامية، مجله الاحمدية شماره ١٦، محرم ١٤٢٥هـ.
١٢. المراغى، احمد مصطفى، تفسير المراغى، ج ٥، دار احياء التراث العربى، بيروت، چاپ سوم، ١٣٩٤هـ.
١٣. الواحد وافى، على، حقوق الانسان فى الاسلام.
١٤. وهبه، توفيق على، الاسلام شريعة الحياة، دار اللواء، رياض، چاپ دوم، ١٤٠١هـ. / ١٩٨١ م.
١٥. \_\_\_\_\_، الجهاد فى الاسلام، دراسة مقارنة باحكام القانون الدولى العام، چاپ دار اللواء، رياض، ١٤٠١هـ. / ١٩٨١ م.
١٦. \_\_\_\_\_، المرأة فى الاسلام، قضايا نسائية معاصره و موقف الاسلام فيها - القايره - ٢٠٠٦ م و ٢٠٠٧ م.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی